

كتاب يمان تازة فداوند وراننده ما عيسي مسيم که از لسان اصلی یونانی بفارسي ترجمه كروة افضل الفضلآ المسجيد هنری مارتن کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لَنَدُنْ محروسه باعانت مجمع مشهور به بَیَبَلْ سوسیّیتی کرت سیّم بدار الطباعه بنده کمترین رِچارد واطس انکلیسی مطبوع کردید

من الما

NEW TESTAMENT

OF

OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK, into persian,

BY THE

REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:

PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,

IN THE YEAR

1837.

فهرست این کتاب مقدس

رساله وريم بولس بتسلنيقيان . 503	
رساله ٔ اوّل پولس بتيموڻيوس 507	-
رساله وريم پولس بتيموثيوس 516	-
رساله ٔ پولس بنیتوس 522	
رسانه پولس بفليمون 526	1
رسالهٔ پولس بعبریّان 528	:
رساله عام يعقوب حواري 552	
رساله عام اول پطرس حواري 561	100
رسانه عام دويم پطرس حواري . 570	
رساله ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576	
رساله عام ثاني يوحنّاي حواري . 585	
رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586	
رساله عام يهوداي حواري 587	
كتاب مكاشفات يوحنّاي الهي 590	

	انجيل متّي آغاز ميكند در
1	صعيفة
	انجيل مرقس
135	انجيل لوقا
221	انجيل يوحنّا
288	كتاب اعمال حواريان
371	رساله ولس حواري باهل روم .
105	رساله عواس حواري باهل قرنتُس.
	رساله وريم پولس حواري باهل
137	قونتُس ٠٠٠٠٠٠٠
459	رساله پولس حواري بكلتيان
	رساله ٔ پولس حواري بافسسيّان .
481	رسالة ولس حواري باهل فيلبي
	رساله ٔ پولس حواري بقلُسيان .
	رساله أول پولس بتسلُنيقيّان .

باب اوّل

۲ آغاز بشارت عیسی مسیم فرزند فدا * چنانچه ور رسایل رسل نوشة شده است كه اينك من رسول خوورا ورپيش روى تو ۳ میفرستم که راه تورا ور پیش توآراسته کرواند *صدای فراو کننده ایست ور بیابان که طریق خداوندرا مهیا سازید وراهایش را مستقیم نانبید* چون بحیبی در بیابان غسل تعمید مید او وبغسل ه توبه بجهت كنابان أمر ميمور * وقامي سكنة مرزويوم برودية واورشليم نزو وى بيرون رفته معترف بخطا باي خويش كشته بهمه بوساطنش ٧ غسل تعميد در رود اردن مي افتند * ويجييرا لباس از پشم شتر وكمربند كروكمرش أزجرم وخوراك ازملخ وعسل برى ميبوو * واعلام مینمود ومیکفت که می آید شخصی بعد از من که از من توانانر المنت ومن لابق آن نيستم كه خم شده ووال تعلينش را ^ كشام * ومدرستنيك تعميد من شمارا آب است ليكن اوشمارا بروح القدس تعميد خواهد وأو * ودرين آيام واقع شدكه غيسي از ناصرهٔ جلیل آمره بوساطت بحیی در رور اردن فسل تعمیر ١٠ بافت * وفي الفور از آب برآمره ويدكه افلاك شكافته وروح اا چون کبوتری بروی نرول نمور * واتفی از عالم علو میافت که توئی ١٢ فرزند محبوب من كه ازو خوشنووم * وور لعظه روم به سابانش مرقس * ۱ *

۱۳ اخراج نمود * دورآن میابان مزت چهل روزاز شیطان امتحان می یفت وور میان وحوش بسر بروه ملاید اش پرستاری ۱۷ میمووند * وبعد از کرفتاری بحیی عیسی بناصیهٔ جلیل آمره بشارت ١٥ بملكوت فلا ميداد * ومي كفت مدرستيك وقت كالمل شده است وملكوت فدا نزويك است پس توبه ناثبير وإين بشارت ١١ خجسة اعتقار آريد * ووراثنا عبور بركنار وريامي جليل شمعون وبراورش اندریاس را وید که وام ور وربا می اندافتند از آنجا که ١٧ ماهي كيرميبووند * عيسى آنهار اكف كه بعقب من آنيدك من ۱۸ شماراً مروم کیر خواهم کروانید * پس بی تعلّل وامهای خووراً ١٩ كذاشة ويرا تعاقب مووند * واندكي ارآنجا بيشتر رفته يعقوب ابن زبدی وبراورش یومنارا ویدکه ورکشتی وامهای خودرا ٢٠ اصلاح مي تمووند * ايشان را نيز في الفور وعوت نمووه آنها بدر خود زبدی را با حردوران ور کشتی کذاشته بعقب وی روان کروبدند الا وواخل كفرنادوم كشنه ور روز سبب بي تألى واخل مجمع كشته ٢٢ وعظ كرون كرفت * واز تعليم وي متحير ميدوند زيراك مفتدرانه ۲۳ ایشانرا تعلیم میمود نه برسیاق نویسنده کان ۴ بود ورمجمع ایشان HV شخصی که با روح خبیشه بود او فراو نموده کفت * ای عیسای ناصرى بكذار مارا باتو چه كاراست آياكه بحبهت بايال نمودن ما ٢٥ آمرة من تورا مى شناسم كم كيستى اى بركزيدة خدا * بس عيسى ٢٧ نهب موده كفت ساكت باش وازوى بيرون أي * كم أن روح خبیث اورا مرتعش کروه و آواز ورشتی فریاد نموه اروی بیرون ۲۷ مر * وامكى بطورى منعجب كشتك از يكريكر سوال ميفووند

مرقس * ۱ *

وميكفتندكه اين چيست واين چانوع تعليم است كه بر ارواح ٢٨ فبيشه إقتدار عكم ميكد وآنها اطاعت منايد * وارآنوت أوازه ۱۹ وی ور بمکی اطراف جلیل پیچبد * ودر آن وقت از محمع بيرون آمره بأيعقوب ويوحنا جنانة شمعون واندرياس درآمدند ۳۰ و ماور زن شمعون تب نموره خوابیره بود جاندم ویرا ور بارهٔ او ٣١ خبر واوند * واو آمده وست اوراكرفته بر خيزانبيش كه في الفور ۳۳ تب او زایل شد و بخدمتشان مشغول کروید * وچون شبنگاه که آفتاب غروب نمود جميع ليماران وديوانكان را نرو وي حاضر ۳۷ کروند * وجمکی ساکنان آن بلاد بر ورجمع آمرند * وبسباری از أنان راكه بامراض مختلفه كرفتار ميبوزمد شفا بخشيره وويوان بسيارى را اخراج موولكين ويوان را اجازت مداوكه ارشناسائي ٢٥ وي تكلم نايند وسعركان قبل از صبح بر خواسة بيرون شناف ٣٩ وور ويرانيه الهار مشغول كشب * وشمعون وكساني كم با وي ۳۷ بووند بعقب او روان کرویزند * پس ویرا یافته کفتندش که تامی ۲۸ خلق در جستحوی تو میباشند * وایشانرا کفت که باید بقرا و تربه رفته ایشانرا نیز اعلام فائیم زیراکه بجهت این کار بیرون آمره ٣٩ ام * وييوسة ور جمكي جليل ورمجامع آنها اعلام ميمود وويوان را ۲۰ افراج میکرو یک ناکاه میروسی نرو وی آمره وارو استدعا نموده پیشش برانو ورآمره کفت چنایجه خواهی توانی که مرا طاهر ساری ١١ * عيسى ترقم فرموده وست ورازكرو اورا لمس نموده كفت Ar منخواهم طاهر لشو * كه وفعه بعد از تكلّم وي برص زايل كشية طاهر ٢٨ كرويد * پس في الفورا وراسفارش نموده روانكروانيد * ويراكف رقس * ۱ * ۲ *

که زینههار بهنچ کس را مطّع نساخته بلکه شتافته خودرا بکاهن نما وآنچه موسی مقرر کرده است بحبهت تطهیر خویش بتقدیم رسان ۲۵ تا آنکه شهاوتی باشد بر ایشان * لیکن او بیرون شتافته شروع نمود مندا کرون بسیار و بمشهور نموون آنمقدتمه بنهجی که آشکارا نمی نوانست بعداز آن واخل آن شهر شود پس ور اماکن غیر مسکونه بسر میبرد و مروم از هرطرف بنزد وی می آمیند

باب دويم

بعدار چند روزی بار در کفرناحوم واخل کشته وچون بوونش در ٢ خانه بسمع خلق رسيد * في الفور خلق بسياري جمع آمزيد بحيثيتي كه اماكن قريبه بدرنيز بالاخره كنجايش ايشارا نداشت واوبا ايشان ۳ بکلام تکلم میمود * پس مرتعشی را که چهار کس اورا برداشته بورند ۷ بنزو وی آوروند * وچون از کثرت انبوه ممکن نبور که اورا بنزو وی آورند پس سقف مکانی را که ور آن نشسنه بود برواشته ه وشکافته تختی را که مرتعش برآن خوابیده بود بربر آوروند و ویسی اعتقار آنها را مشاهده نموره آن مرتعش را كف اي فرزند كنالان ١ تو آمرزيده شد * وور آنجا تني چنداز نويسنده کان نشسته بووند که ور ول خود می اندیشپدند* که چرا این شخص چنین مکفر تکلّم مي نايد كيست كه تواند آمرزيد كنالن راجز خدا وبس * كه في الفور عیسی ور روح خود یافت که آنها چنین تصور نموره اند ایشانرا و كفت چرا اينجينين تصورات ميائيد آما كفتن كرام يك بمرتعش اسهل است كنابين تو آمرزيده مثه يا آنكه كفتن برخيز وتخت ١٠ خوورا برواشة روان شو * ليكن تا بدانيدك فرزند انسانرا برزمين

مرقس * ۲ * اا قدرت عفوكنالن است يس مرتعش را مرمود م تورا ميكوي ۱۴ برفیز و تحت خور ا برواشته بخانهٔ خود روان شو * در ساعت برخواسة وتخت را برواشة وريش روى مه بيرون شنافت چنانکه ممکی تعجب نموره وفدارا تمجید کروه می گفتند که هر کز ١٣ چنين امري را مشاهده نموره بوريم وباز بكنارة وريا بيرون رفته ١٧ وغامي خلق بنزو وي آمره او إيشانرا تعليم ميفرمود ووراثناي راه لاوی ابن حلفارا ویدکه ورکمر کخانه نشسته است ویرا کفت ٥١ متابعتم نا أو برخواسة بعقب وي روان كرديد * دور هنكامي كه عيسي بجهت تناول غذا ورخانة وي نشسة بود اتفاقًا تني چند از اج کیران ومعصیت کاران با عیسی وشاکردان وی نشسته بووند ۱۱ زانروکه هر چند بسیار بورند بیروی میموند * وچون نویسنده کان وفریسیان اورا ریدند که با باج کیران وکناه کاران تناول میناید تلامید ورا گفتند که بچه جهت با غشاران وتباه کاران اکل ١٧ وشرب منابد * وعيسى اين سنحن را استاع نموده ايشانرا كفت آنان كرصحيج انداحتواج بطبيب ندارند بلك آنان كه مريضند ومن نیامره آم که راستانرا وعوت نایم بلکه تا کناه کارانرا بسوی ١٨ توبه بخوانم * وشاكروان بحيى وفريسيان پيوسته صام مي بورند پس نرو وی آمره گفتند چونست که شاکروان بحیی وفریسیان ۱۹ روزه میدارند وشاکروان تو صایم نمی شوند * عیسی آنهارا فرمود که آيا ابناي بيت السروررا ممكن است مادامي كه وأماد بإنها است روزه وارند بدرستی که هنگامی که واماورا با خود وارند روزه نمی ٢٠ توانند كرفت * ليكن أيام خواهداً مدكه واماد ار ميان أنها برواشة

٢١ شور آنكاه ورآن آيام روزه خواهند واشت * ورهيج كس از كرباس ورشت وصله برييراهن كهذنمى كذارو والأآن نو كالم كنندة ۲۲ کهنه ازو فرا می کبرو وآن وریده کی اقبیم می کرود * وی کس بارهٔ نورا ور فیکهای کهنه نمی گذارد والا آن شراب تو آن مشک ارا بدرو وشراب بريرو ومشكها ضايع كروو بلك مي تاره را ور ۲۳ خیکهای نو باید ریخت * اتفاقا ور روز سبتی از میان کشت زاری عبور میکرد وشاکردان وی دراثنای راه شروع بخوشه چینی ٢٧ نمووند * پس فريسيان ويرا كفتند كه ملاحظه ناكه بچه قسم عل غير ه شایسترا ور روز سب جا می آورند و و ایشانرا کفت که آیا كاهى مطالعه ننموه ايرآيه واور بعل آورو چون محتاج كشت ۲۷ و کرسنه کرویدا و وکسانید باوی بودند که چکونه ورفانه خدا ورزمان ابیثار کاهن بررک ورآمره ونانهای تقدمه آکه برغیر کهنه تناول ۲۷ آن جایر نیست خورو و آنهائی که باوی بورند نیز واو *پس ایشانرا کفت که سبت بجبهت انسان مقرر شده است نه انسان ۲۸ بجهت سب *پس فرزندانسان فداوند يوم سب هم ميباشد

ا پس باز ورمجمع واخل کشت وبود ورآنجا مردی که وست او به خشک شده بود * وآنها مترضد میبودند که شاید اورا ور سبت به شفا بخشد تا بر وی ازها نمایند * پس آمرو وست شل را کفت به که ورمیانه بایست * وآنها را فرمووکه ور روزسیت آیا علی نیکو نموون جایر است یا علی زشت نفسی را نجات بخشیدن یا ه هلاک نموون آنها فاموش کرویوند * وباطراف بخشم برآنها نظر افکنده زانروکه از سنکدلی آنها عملین شده بان مرو گفت که وست خوررا ورازکن واو آنرا وراز نموه که وست او چون ٧ وست ويكرش ورست كروير * وفريسيان بيرون شنافته بي تأكم إ هيرود أن در إرة وي شوري نموره كه چه سانش هلاك ایند * وعیسی با شاکروان خویش بدریا متواری کشته وجمع ۸ بسیاری از جلیل و پرورت ور قفای وی روان شرند و از اور شلیم وارومته وأنطرف ارون وازسكة اطراف صور وصدا فيماعت بسیاری بسبب استاع آمور عظیمه که ارو صاور میکشت بروی و جمع آمزید بس شاکروان خودرا فرمود که کشتی کوچکی از جهت وی نگاه وارند که مباوا از کثرت جمعیت بروی صدمهٔ واقعه کرود ١٠ * زانروكه چون جمعى اشفا بخشيد بسياري كه بمرضها مبتلا بووند اا بروی جوم نموزند که اورا مس نایند و ورن ارواح پایده مشاهده ۱۱ اش میمورند نزر وی افتاره فرار میکروند که نوشی فرزند خدا * واو ۱۰۰ آنهارا بسیار تاکید میمود که اورا شهرت ندهند * پس بر فراز كوهى رفته وهركس راكه ميخواست طلبيده وأنها نزووى أمزيد ۱۴ * وروآزره نفررا مقرّر فرمور که باوی باشند که آنهارا روانه ناید هم ١٥ بجبهت وعظ نموون * وهم بحبهت قاور كروانبين برشفاى مرضا ١٧ وافراج اجنه * وأن روازوه شمعون كه بيطرسش ملقب نموده ۱۷ بوو * ویعقوب پسر زبدی ویوحنا براور یعقوب که آنهارا به بنی ١٨ رجس يعنى فرزندان رعدملقب ساخته يوو * واندرياس وفيلهوس وبرتكما ومتى وثوما ويعقوب ابن حلفا وثترى وشمعون قنانى ۱۹ * وبرورای اسخربوطی که اورا تسلیم نمور پس ور فانه واخل کشته مرقس * ۴ *

٢٠ * ومروم باز باتفاق مي آمرند چنانچه فرصت نان خورون هم ۲۱ نداشتند *ومصا حبان وی شنبیره بحهت باز داشتن او بیرون' ۲۷ شتافتند زاروكه ميكفتند بتحقيق كه بيهوش است * ونويسندهكان که از اورشلیم آمره بورند گفتندکه او اعلربول وارد ودیوانرا ۲۳ بوساطت رئیس ویوان بیرون می ناید * پس آنهارا خوانده وور مثالها با ایشان سخن رانده فرمورکه چکونه شیطانی شیطانی را HV ا فراج نابد * چ هرگاه مملکتی برخلاف خود منقسم کرود آن مملکت ٢٥ كايداً (تخواهم بوو * وهركاه فانه برخلاف خود منفسم كرود ان فانه ٢٤ نيز بايدار نتواند بود * پس هركاه شيطاني برخلاف خود برخيزد وجدا ۲۷ کروو بایدار نخواهد ماند ملّک نام خواهد کشت * و پیچ کس ور فانة مروى قوى واخل كشة نتواندكه امتعماش را غارت عايدجر ۲۸ آمکه آن مرو توانارا ببندو آنکاه خانه اش را غارت ناید و بدرستی که بشا میکویرکه نامی کنابان بنی آوم آمرزیده خواهد شد حتی ٢٩ كفر چندائك كفر ورزند * مكر آنك بروم القدس كفر كويندك هركز ۳۰ آمرزیره نخواهد شد بلکه مستوجب عنراب ابدیست * ریراکه آنها ۳۱ کفته بودند که در وی روح خبیث میباشد * آنکاه براوران دماور وی ۲۳ آمره وبیرون ایستاوه نرو وی فرستاوه اورا طلب نمورند *وجماعتی که براطراف وی نشسته بوزیدا ورا گفتند اینک ماور ویراورانت ۲۳ تورا وربیرون طلب منابند * که ایشانرا حواب واوه کف که ماور ٢٧ من كيست وبراورانم كدامند * پس برآناني كه براطراف وي ro نشسته بوزید نظر افکنده کفت اینست ماور ویرا ورانم زانروکه هرکس که خواهش فدارا بعل می آورد براور وخواهر و کور منست

مرقس* ۱۷ * باب چهارم

وباز بركنارة وريا آغاز تعلير نمود وجماعت بسياري بروي جمع کشته بنهجی که ورکشتی واخل کشته بر وزبا قرار کرفت و تامی ۲ آن جماعت نرویک بدریا ور خشکی میبووند * در چیزای بسیاری أنهارا ور مثالها تعليم نمود ووراثناي تعليم نموون ايشانرا فرمود ۸ * که بهنوید بذر کری بجه ت زراعت نمودن بیرون رفت * اتفاقا وراثنای زرع نموون بعضی بر کنارهٔ راه ریخته ومرغان هوا آمره ه آنهارا خوروند * وبعضي بر سنكلان افتاوه چنانچه فاك بسياري ٢ نداشت وچون ور فاك عمق نداشت في الفورنمونموه ليكن چون آفتاب طالع کشت بجهت حرارت پر مروه کشت وچون ریشه نداشت خشک کردید و بعضی در میان فارا کاشه ^ كرويد وتعان فارنمونموده ففداش نمود وترميج ثمر نياورد* وبعضى ور زمين نيكو كاشته كرويد ورسير المرى كه نمو نموده وزيار شده بعضي ۹ سی وبعضی شصت وبعضی صد چندان ثمر آورد * پس آنهارا فرمور كه هركس كوش شنوا وارو بشنور * وچون تنها كرويدا ناني که نرو وی بووند با آن روازره نفر معنی مثل را از وی استفسار ١١ نمووند* وأيشانرا فرموركه وريافت نموون رموز ملكوت خدا بشما واوه شده است اما آنانی که فارجی هستند تامی چیزا ورامثال ١١ سيان ميشور * تا پيوسته ښكرند وله بينند وييوسته كوش وهند ونه فهمند مباواكه كاهى بشيمان شوند وكنابان ايشان آمرزيده شود ١٠٠ * پس أنهارا فرمود كه آيا اين مثل رائمي يا بيديس تأمي مثالهارا ه و چکونه خواهیر باوت * بدر کر آنست که کلمه را منکارو * وا نانی که بر

كنارة راهد آنجاست كه كلمه ورآن كاشته ميشود وچون كلمه را می شنوند فی الفور شیطان می آید وان کلمراکه ور ولهای ١١ آنها كاشته شده است ميرايد * بهمين وضع آنهاك برزمين سنكلانه كاشته شده بورندآ نانندك چون كلمه را مي شنوند بخوشنوري ١٧ مي الفورش قبول مي نايند * ودر خود ريشه ندارند بلك چندي مانده چون زخمتی یا تصدیعی جهت آن کلمه واقع کرود بیدرنگ ١٨ لغرش مي ليند * وأنهاك ورميان فارا كاشته شده روزر آناندك ١٩ كلىمەرا مى شنوند * ليكن افكار ونيوى وفريب توانكرى وھوس ۲۰ چیزای ویکر وافل کشته کلمه را خفه میناید ویی تمرمیکروو * وآنهائی که بر زمین نیکو افتاوه بووند آنا تند که کلمه را شنبیره قبول می عايند وبعضي سي وبعضي شصن وبعضي صد مأنند ثمر مي أرند ۲۱ * وآنهارا فرمود که آیا چراغ می آید بحهت گذارده شدن در زیر پیمانه یا بریر تخت نبی ملکه جههت کذاشته شعن بر چراغدان ۲۲ * زانروکه چیچ پنهان نیست که ظاهر نخواهیر کشت. وجیچ پوشیره ۲۳ نیست حز آنکه آشکارا کرود * هرکس که کوش شنوا وارد بشنود ۲۲ * وایشان را فرمور بنکرید که چه می شنویداز هر کیمانهٔ که می پیمائید جهت شما يسموه خواهد شد وبشماكه مي شنويد زيار خواهد ٢٥ كشت * چه بآن كس كه وارو واوه خواهد شدوآناس كه ندارو ٢١ نيرآنچه وارو اروكرفته خواهركشت * وبار فرمووكم ملكوت فدا ۲۷ چنین است که مردی تخمرا ور زمین می افشاند * و خواب رود پس شب وروز بر خیزو وآن تخم نمو ونشو می کند واو مطّع ۲۸ نیست که چون میشور * زانرو که زمین از خویش میرویاند اول مرقس * ١٠ *

٢٩ علف بعد ار أن سنبله يس ولة كالم ورأن سنبله * وچون ثمر خویش را ظاهر سازو فی الفور واس را نکار میبرو زیراکه هنگام ۲۰۰ ورو رسیره است * وار فرمورکه ملکوت فدارا بچه چیزشبه ٣٠ سازيم يا بچه مثال تمثيلش غائيم* وانه خرولي ا ماند كه چون بر رمین کاشته میکروو از ممکی وانهائی که بر زمین است کوچک ٢٢ تراست * وجون كاشته كشت نموم عايد وبزركترين جمة بقولات می شود پس شاخهای بزرک می افرازو چنامچه مرغان هوا ور ٣٣ زيرساية آن قرار ميتوانند كرفت * وبجون اين مثالها بسياري وبكر بحبهت آنها برحسب استعداد شان كلمدرا بيان ميفرمود ٣٧ * وجرِ مثل بأنها تكلم نميفرمود وهمه چيرارا بشاكروان خويش ه منفعه حالی مشمود * وور مهانروز چون شام کشت ایشانرا کفت ٣٩ بيائيد تا آبطرف عبور كنيم وأنحاعت را رفصت بركشتن داره. وچنانچه ور کشتی بود برزندش وچند کشتی کوچک نیز با او بورند ۳۷ * وطوفان عظیمی از هوا بدیدآ مد چنانچه موج کشتی را صدمه زو که ٣٨ بالاخره مشرف بغرق شد واو ور ونبال كشتى بر بالش خفته بود پس اورا بیدار نموده باو گفتندای استاد چیج نمی آندیشی که هلاک ۲۹ شویم بس بر خواسته هوارا نهب فرمود ودریارا فرمود که ساکن ۸۰ شو وآرام کیرکه هوا ساکن کشته آرام کاملی پدید آمد * وآنهارا فرمووكه جيد سبب چنين مضطرب مياشيد چرا اعتقاد نداريد ٨١ * وايشان بسيار مخوف كشة باهم مي كفتندكه اين كيست كه باو ودريا نهم اورا اطاعت مناييد

مرقس * ٥ *

باب پنجم

پس بآن کنارهٔ وریا بسرزمین کدرئین آمدند * وچون از کشتی بیرون آمد فنی الفور شخصی از قبرستان ۱ دیو بلید یوی دو چار ٣ كشنة "كه ورميان قبرستان ساكن بود جي كس برنجير هم اورا ۴ نمی توانشِت بندنمور * ریرا که بارهٔ بکندهٔ وزنجیرهٔ بسته شدهٔ بور وزنحيرارا كسيخته وكندارا مي شكست وهيج كس اورا رام نمي ه توانست نمور * وپيوسته شب وروز وركوها وقبرا فراو مينمود وخوورا بسنک مجروم میکرد * چون عیسی را از دور مشاهده نمود دوان آمده ویرا سحود نمود * وآواز بلند فریاد نموده کفت که ای عيسي فرزند فدايتعالى مرا باتوجه كاراست تورا بخدا سوكند ميدهم ^ که عذایم ندهی* زانروکه ویرا کفته بود که ای ویو پلیداز این شخص ہ ابیرون آئی * پس ازوی سوال نمور کہ چہ نام وارمی کفت کہ نام ۱۰ من لغیون است. را نرو که بسیار هستیم * وازونی استد عای بسیار ^ا اا تمووندكم ايشانوا ارآن مرزودهم اخراج تاليد وورآنجا نرويك بكوه ۱۲ کلهٔ بررکی از کراز میجربدند * وابعه ویوا آزوی خواهش نمووند که مارا ١٣ بَأْنِ كُرَارُهُ بفرست تا ورأنها واخل كرويم * وفي الفور عيسي آنهارا اجارت واو وآن رومهای خبیثه بیرون رفته ورآن خوکان واخل کشتید که آن کله از کیمر کوه بدریا جستند وقریب بدو هزار ۱۱ بووند که ور وریا خفه شدند وشبانان کریخته مروم آن شهر ونواحى را آكاه نمووند وايشان بحبهت تأشاى آن سركنشت ه ا بیرون شنافتند * وازو عیسی آمره ویوانهٔ را که لغیون ور وی بود مشاهده نمووندكه نشسته ولبأس بوشيره وهوشيار كشته است

پس خایف کروبرند * وکسانیه آنمقدمرا مشاهده نموره بورند ١٧ جهت ايشان سركنشت ويوانه وكرازارا نقل نمووند * پس ١٨ أنها شروع بالخاس نمووندكه از حدود ايشان رحلت غايد * وجون ورکشتی ورآ مرشخصی که ویوانه بور استدعا نمورکه با وی باشد ١٩ * وعيسى الجارتش نفرموره بلك ويرا فرموركم بخانة خويش بسوى خویشان خور برو وایشانِ را مطّع کردان که خدارند چه امور عظیمه ۲۰ بجهه ست توبظه در آورو وچگونه برترقم فرمود * واز آنجا رفته ور مرائن عشر شروع به سیان آن امور که عیسی بحم ت وی نموده بود کرد ۲۱ که تامی خلق منحتر کرویدند و وون عیسی باز بانطرف ورکشتی عبور نمود مروم بسياري بروي جمع كشتند واو هنور نرويك بدريا ۲۲ بور * که ناکاه کشخصی بازروس نام از روسای محبمع آمده واورا ۲۳ ملا حظه نمود وبر قدمهایش افتار * وبسیارالتاس نموده کفت که وختر کوچک من مشرف بمرکست بیا وبراو وست بکذار که شفا ۴۴ یافته زنده مآند * پس با او روان کشته وخلق بسیاری از فغایس ٢٥ روان كشتند واورا حراحم مي شدند * از اتفاقات آنكه ضعيفة كه ۲۶ روازده سال میبود که بمرض سیلان خون کرفتار بود * ومعالجات بسيارازاطبأ متعذوه بإفته وهرچه واشته صرف نموده بجأى نرسير ۲۷ بلکه شدت نموره بور * چون خبر عیسی را شنبیره ورآن کثرت ۲۸ از عقب وی آمره لباسش را مس نموو * زانرو که با خوو اندیشهده ٢٩ بووكه أكر جمين لباسش را مس كنم نجات خواهم مافت * كه ور ساعت حربان خون وی ایستآره واز خور وربافت نمور که از ٣٠ أنمرض صحت بإفته است * وور جاندم عيسى اوراك نمووكم

مرفس * ٥ *

قوتی اروی بیرون رفت پس بآن کثرت توجه نموده فرمود که ٣١ كيست آنكه رفت مرا مس كرو * وشاكروان وي كفتندش كه می نکری که این کثرت برتو جوم می آرند ومیفر مائی کیست که مرا ۳۲ مس نمود * پس آطراف بجهت مشاهدهٔ آن زن که این ۳۳ عمل را نموده بود نکریست * لیکن زن ترسان وهراسان وآنچه اروی صاور شده بود وانستاً مر وزرد وی اعتاده تامی حقیقت را ۲۷ بوی ظاهر ساخت * ویرا فرمود که ای و ختر عقیدهٔ تومر تورا نجات ۳۵ واو برو بسلامت واز مرض خویش رستکار باش * وورین کفتکو بورکه از منسوبان رئیس مجمع چندی آمره گفتندش که وخترب وفات نمود از برای چه استاورا بیش ازین زخمت میدهی ۲۲۷ وعیسی آنمقدمه را می شنید در ساعت برئیس محمع گفت که ٣٧ فايف مباش جمين اعتقاد نا وبس * وجر بطرس ويعقوب ٣٨ ويومنا براور يعقوب جي كس را رفصت متابعت نفرمود *وور خانة رئيس مجمع واخل كشة غوغائي را با آنان كه كريه ونوحة بسبار ٣٩ مينمورند مشاهده كرو *بس واخل كشة أنها فرموركه بچه جهت غوغا وكربير مى كنيد وحال آنكه اين وخترنمروه بلكه خواميره است ۴۰ و وایشان بروی خندیزند پس *همکی ایشانرا* بیرون کرده **پ**در و اور وفتر وآبانی را که با وی بورند بهمراه خور بر واشت وور آنجاک ١١ وفتر فوابيره بور رفت * ووست وفتررا كرفة فرمور طالبتا قومي ۲۷ که ترجمه اش اینست بتو میکویم ای وختر بر خبز * که ور ساعت وختر برخواسة خرامان كرويدكم ووازوه ساله بود وايشان ۴۳ بی نهایت تعجب نمووند * پس ایشانرا بسیار تأکید فرمووک

مرقس * ٥ * ٢ *

احدی ازین مفترمه مطّع نکردو وفرمود که چیزی تجهت خوردن باو بدهند

اب ششم

بس از آنجا روان کشته بوطن خویش آمد وشاکروانش ویرا تبعیب * مموداند * چون روز سبت رسيد ور مجمع آغاز تعليم واون نموده وبسياري كم كلام ويرا شنبيره تعتب كروند وكفتندكم اليل شخص را این چیزهٔ از کتجا بهم رسید واین چه حکمت است که بوی واره ۳ شده است که چنیل امور قویه از وستهای وی صاور میشود * مکر این نه آن نجار فرزند مریم است براور یعقوب ویوسا و بهورا وشمعون ومكرنه خواهران اورر اينجا نرريا ميباشند وررحق او ٩ لغرش مي إفتند الكين عيسي آنهارا فرمودكه بهيج بيغامبري بي احترام نيست جرور وطن خور رور ميان اتران وفانة خويش وورآنجا مي امرقوى متوانست مودجرآنك برچند مريض وست نهاره شفل بخشير * واز عدم اعتقار آنها تعتب كرد * وباطراف قرا بتعليم داون روان كرويد * پس دوارده نقررا نرو خود خوامده ودر روانه نمودن آنها جفت جفت شروع نبود وآنهارا بر رومهای بلیده قدرت بخشمید وایشانرا فرمودکه بجهت سفر با خود توشد وانی یا نانی یا نحاسی ور میان همیان بر ندارید جرعصای وبس * ليكن كفش پوشيد ورو قبا مپوشيد * وايشانرا فرمود كه ورېر جاكه ١١ جنانة وأخل شويدور بهانجا عانبيرتا ارآنجا روانه شويد واشخاصي كم شما را نبذرند وكلامشمارا نشنوند چون از آنجابيرون آئيد كرو قدمهاي خورراً برافشانيرتاً شهارتي باشديرآنها بدرستي كه بشما ميكوي كه ور

مرقس* ۲ *

روز جرا بر سرزمین سدوم یا غمره اسهل خواهند بودازین شهر ۱۳ * پس آنها بیرون رفتهٔ ندا نمینموزید که توبه نایند * وریوان بسیاررا اخرابه بمورند وبيعاران متعدورا بروغن چرب نموده شفا بخشهدند ١١٠ * واز آنجا كه اسم وي شهرت يافته بور هيروويس ملك آوازه اش را شنیره کفت که بحیای غسل وضده است که از مروه كان برخواسة وبدين جهت امور عجيبه از وي صاور ميكردو ١٥ * وويكران كفتاند كه البايس است وبعضى كفتاند ليغمبري بإ مانند ١٤ كين از پېغمبران * اما هيروويس شنيده كف كه اين يحياست ۱۷ که کرونش را زده بودم والهال از مروه کان برخواسته است *زیرا که جمین هیروویس بحهات خاطر هیروویا زن براورش فیلبوس فرسناوه بجیبی را وستکیر کروه ور محبسش حبس نمود زانروکه ۱۸ آنون را ورعهدهٔ نکام آوروه بود * و بحیبی بهیرودیس گفته بود که نکام ۱۹ واشتن زن براورت برتو جایز نیست * ازین حبهت هیروویا ور کمین ومی می بود که اورا بقتل رساند لیکن نمی توانست ۲۰ * زیراکه هیرودیس از بجیی خوف میمود از آنجاکه ا درا مرد صدیق ومقدس مبدانست ورعايتش نمووه كلامش رأشنيده اعمال ٢١ بسيار جا مي آورو وسخنش را بخوشي مي شنيد وچون هنكام فرصت رسید که هیروویس ور روز تولَّر خود مجهت امرا^ه خود ٢٢ ومين باشي الوبرركان حليل ضبافتي نموده بور * كه وختر هيرورا واخل کشت رقصی نمووکه هیروریس را با جمنشینان مسرور مووه ملک آرونررا گفت که هرآنجه خواهش واری از من ۲۳ بطلب که من بتو خواهم بخشید * و بحبهت وی سوکند خورده

مرقس * ۲ *

كف هرآنچه ارمن سوآل نائي أكرچه نصف ملك من باشد ۲۲ بتو ارزانی خواهم فرمور * واو بیرون رفته از مادر خود ستوآل نمود که ١٥ چه طاب نايم كفات سر يجيى فسل وهنده را * پس بسرعت تام نرو ملک اندرون آمده سوال نموده کفت که خواهش آن وارم که ورین وم سرنجین غسل وهنده را ورطشتی عن عنایت ٢٧ فرمائي * وملك بغايت ولكيركشة ليكن جهت باس سوكند ٧٧ وفاطر حوئي محلسيان نخواست كه ما يؤسش نايير * مي الفور بإرشاه جلّاوی ا ترستاره آورون سر وی فرامی دار وا و رفته سرش را ۱۸ ور زندان جداً ساخت * وسررا ورطشت آوروه به وختر سهرو ٢٩ ووختر آن را باور خويش رسانيد * وشاكروان وي شنيده آمرند ۳۰ وجسدش را برواشته ور قبری نهاوند * وحواریان نرو عیسی جمع كشته بهكي مقدات را ارآئجه بعل آوروند وارآمجه تعليم نمووند ۳۱ بوی میان گروند* پس ایشانرا گفت که بتنهائی ورمکان خلوتی رفته اندکی آرام بکیرید زیرا که مترورین چندان بووند که مجال ۲۲ تناول طعام نداشتند * پس بینهائی ورکشتی بمکان ویرانی ۲۳ رفتند* دورا ثنای رفتن آنها مروم اورا دیده بسیاری شنا فتندش وازتامي شهرا بياره ورعقب ومي بانجا شتافتند وبرآنها سبقت ۲۷ جسته باهم نزو وی آمرند * وعیسی بیرون آمره خلق بسیاریرا مشاهده نمود که چون کوسفندان بی شبان بورند پس برایشان ۳۵ ترقم فرمود وشروع نموده ایشانرا چیزای بسیار تعلیم کرو * وچون مرت کثیری از روز کنشت شاکروان وی نروش آمره گفتند ۲۷ این مکان ویرانست ووقت منقضی شده است * ایشانرا مرقس * ۲ *

رفص فرما تا مكر آباوي ودات اين نواحي رفته ناني جبهت خویش خربده باشند زانرو که چیزی بجهت خوراک خور ندارند ٣٧ * أيشانرا جواب فرمودكم شما أنهارا خوراك وهيد ويرا كفتندآ يا ۳۸ برویم وروصد رینار نان خریده ایشان را طعام رهیم* آنهارا فرمور برويد وملاحظه نائبيركه چند نان واربد وايشان ملاحظه نموده كفتند ۳۹ که پنیج نان ورو ماهی * ایشانرا فرمود که جمکی مرومرا وسته وسته ٨٠ برسيره ١ بنشانيد كم ايشان صف بصف صد صد وينجاه بنجاه ۴۱ بنشستند* پس آن پنبج کروه ووو ماهی را کرفته بسوی آسمان نظر نموره وآنهارا برکت واره کروه ارا بشکست وبشاکروان خور واره ۲۲ تا بیش بکذارند ورو ماهی را نیز بر مجموع آنها تقسیم نمور * وقامی ۲۳ خوروه سير كشتند * وروازوه سبرمملو از باره اي نان وار ماهيان ۲۱۷ نیز برواشتند * وخورنده کان آن نانها قریب پنبج هزار مرو بووند ه ۴ وفعی الفور شاکروان خوورا به سوار شعرن بر *کشتی و*آنطر**ف ور** بیت صیرا رفتن قبل از خود مجبور فرمود مادامی که خود مردمرا ۲۷ رفصت ميفرموو * بس أنهارا رفصت واوه بجهت غار كذارون ۷۸ بر کوهی صعور فرمود * وچون شام کشت کشتی درمیان وریا ۲۸ واو برفشکی تنها میبود * وآنهارا ور پارو کشیین خسته ویده زانروك باو مخالف آنها بود پس نرويك بساعت چهارم از شب بروربا حرامان کشته نرو ایشآن آمد وقصد کنرشتن از آنها ۴۹ واشت * وایشان اورا بر وربا خرامان ویده صورت وجمی تصور ٥٠ نموده فرياد كروند * زيراك عامي چون اورا ديده مضطرب كروبيند وور ساعت أيشانرا مخاطب فرموده كفت فاطرجمع باشيركم

مرقس * ٢

٥١ من هستم خايف مباشيد * پس ور کشتی نرد ايشان رفت و باو ٥٠ ساكن كرويد وأنها بي نهايت بيهوش شدند ومتحير كشتند * ك ٥٠ معجزة نان رأ تصور نعمور ندار أنجاكه ول أيشان سنحت يود * پس ٥ عبور نموده بزمين كنيسرت آمده وور آنجا لنكر افكرند * وچون از ٥٥ كشتى بيرون آمريد في الفور مروم أورا شناختند * وبهمكي نواحي آن ملک رویده ور هر داک شنیدند که او در آنجاست شروع ٥٩ • آورون بهماران برتختها نمووند* وور وات وشهرا وممالك هرداكه واخل میکشت بسارانرا ور بازارا کذاشته داروی استدها میموزید که همین رامن قبایش را مس نایند وهرکس که اورا مس نمود

باب هفتم

۱ آنگاه فریسیان وبعضی ار نویسنده کان از اور شلیم آمره نزو وی ۲ جمع کرویدند و بعضی ارشاکروان اورا ویدند که بدستهای نامطهر یعنی برستهای نا شسته چیز میخورند پس آنهارا ملامت نمووند ٣ * زيراً كم فريسيان وغامي بهود سنت سلفرا قام كرفته تا ۴ وسنهارا پیوسته نشوینداکل نمنایند * وهرکاه که از بازار آیند تا شست وشوننا نيد مبخورند وبسيار رسوم ويكرميباشدك بإفته اند که باید نکاه واشت چون شستن پیالها وُقدحها وظرفهای برنجی ه وکرسیها * پس فریسیان ونویسنده کان از وی پرسیزید که چونست که شاکردان نو بر وفق رسم قُدماً عل نمی نایند که ۲ برستهای ناشسته نان میخورند * در جواب آنها فرمود که ای ريكاران بدرستيكه اشعبا وربارة شما خوب اخبار فرمووه است

مرقس * ٧ * چنانجه نوشته شده است که این کروه مرا بلبها محترم میدارند وول ایشان از من دوراست * ومرا بباطل عبادت مینایند که احکام خلق الچون فرایض تعلیم می نایند* زانروکه حکم خدا را ترک نموره بقواعد خلق متمسك ميكرويد ماتند شستن قدمها وبيالها ۹ وچنین چیزای ویکر بسیار که بعل می آورید * وفرمور آنهارا که حكم فدارا بخوبی اطل می نائيد تا آنکه سنت خوبش ا محکم ۱۰ وارید * چنامچه موسی فرموده است که بدر و اور خودرا محترم وار " وهركس كه بدر يا ماور اسب عايد البقه هلاك شوو * وشما ميكوتيدكه هركاه شخصي پدر! ماوررا بكويدكه آنچه تواز مال من بان منتفع خواهی شد قربان یعنی هدیه است معاقب نخواهید ١١ بوو * وبعد ار آن مرفعش نمينائيد كه بجهت بدر يا ماور خود ۱۳ چیزی بعل آرو* و کلام خدارا بسنت خویش که بدعت نهاوه اید ۱۴ باطل میکنید وچنین کارا بسیار می نائید * پس نامی آن کروه را ١٥ خوانده فرموركه بشنويداز من جمكي وبدانيد * كه چيزمي نيست كه ارفارج ورانسان واخل کشته تواند که نجسش ناید ملکه آنچه از ۱۱ وی بیرون می آید آنست که اورا نجس میناید * کسی که کوش ۱۰ شنوا وارو بشنود * وچون از پیش خلق بدرون خانه رفت ۱۸ شاکردانش از آن مثال از وی سوّل نمودند* وایشان را فرمود که مكرشما هم بهان قسم بيفهم هستمير ونمى فهمميركه هرج از بيرون ور انسان واخل می شور قاور برنجس نموون وی نیست ١٩ * زانروكه بدرون ول وي واخل نميشود بلكه ور ورون شكم رفت ٢٠ وبمزيله ميرود آنچه جمكي غزارا بأك ميسازو * وباز فرمود كه آنچه

۱۱ از انسان بیرون **می آید آ**نست که انسانرا نجس میسارد * که از ورون ول انسانی خیالات بدبیرون می آید وفسق وزا وقتل ۲۲ * ووزوی وطمع وشرارت و تغلّب وبی مبالاتی وچشم بد و کفر ۴۳ ونکبر وبی تمیزی* تامی این چیزای مدار دردن می آمد وانسازا ١٧ نجس ميسارو * پس ارآنجا برفاسته بسرفد صور وصيرا رفته ور فانة واخل كشب وميخواست كه بهي كس مظلع نارور ليكن ۲۵ مخفی نمی توانست شد*زانرو که ضعیفهٔ که وختر کوچک وی روم ۲۷ پلید واشت خبرش را شنبید وآمده بر با بهای وی افتاو * وبور آنون یوانی دار آهل سریای فینقی دار وی استدعا نمود که جتی را ۷۲ از وخترش بیرون ناید* لیکن عیسی ویرا فرمود که نخست مکذار که فرزندان سیر شوند زانرو که گرفتن نان فرزندان وزرو سکان ۲۸ کذاشتن نیکونیست * واو جواب دارکه چنین است خداونداً لیکن سکان زیر مایده هم از خوروهٔ نانهای فرزندان اکل می نایند ٢٩ * ويراً فرموركم بجهت الين سنحن روانه شوكم جن از وختر تو ٣٠ بيرون رفته است * پس جانهٔ خويش آمده بافت كم آن ويو ۲۱ بیرون رفته آست وختررا بر بستری خفته یافت * وباز از نواحی صور وصیرا روان کشته بوسط مرز وبوم مراین عشر بسوی وریای ۲۲ جلیل آمد * پس کری را که زبانش میکرفت نزو وی آوروه استدعا ۳۳ نموزید که اورا رست کذارد * داو اورا از آن جمعیت بر کناره بروه انکشتهای خودرا ور کوشش کرد و آب دهن ترنموده زبانش ا ٢٨ مس فرمود * وبأسمان نكريسة آهي كشبير وديراً كفت افتح بعني ro بار شو * که ور جاندم کوشهای وی بار کشته وعقدهٔ زبانش کشاوه

مرقس * ٧ *

٣٧ شد وبدرستى تكلّم فرمود * وأنهارا قدغن فرمود كه چيج كس را مطّع نسارند وایشان بیش از آنچه او تاکید فرموده بود اورا مشهور نمووند ۳۷ * وبی نهایت تعنجب کرده گفتند که جمیع کارا را بخوبی نموده است بنائية كرارا شنوا وكنكهارا كوإ سافة

باب هشتم

ودرآن آوان هنگامی که بسیار جمعتب بود ومطلقا چیزی بجهت ۲ خورون نداشتند عیسی شاکروان خودرا خوانده بآبها فرمود یک مرا براین كروه رحم مي آيد زانروكه الحال سه روز است با من ٣ مباشند وچيري اجهت خوراك نيافة اند واكر آنهارا مرفص نای که کرسنه خانهای خور روند در عرض راه ضعف خواهند نمور ۴ زازوگه بعضی از آنها از اماکن بعیده آمده اند * وشاکردان وی اورا جواب واوند کہ چہ سان کسی ورین مکان ویران این ه مروم را از نان سیر تواند نمود * از آنها پرسید که چند نان وارید ٧ كفتند هفت * پس خلق را فرمود كه بر زمين بنشينبد وأن هفت نان را کرفته وشکر جا آوروه باره کرو وبشاگردان خوو واو تا پیش ایشان برند وآنها بیش روی خلق نهاوند* وقدری از ماهبان کوچک واشتند پس او برکت واره فرمور تا آنرا نیز پیش کذارند* پس آنها خوروه سیر کشتند واز بارهای که زیاد آمر و هفت طبق برواشتند * واشخاصي كه خوروند قريب بحيهار هزار ١٠ مرو بووند پس آنهارا مرفص فرمود * وورساعت ورکشتی ورآمره م شاكروان خور بنواحي وكمنونا آمر* وفريسيان بيرون شنافته با وى آغاز مناظره نمووند وبرسبيل امتحان آيت سماوي از وي

مرقس * ^ * ۱۲ خواستند * که ولکیر کشته فرمود که از بهر چه این طبقه آیت را · طلب منایند بدرستی که بشما میکویم که چیج آیت باین طبقه واوه ۱۳ نخواهد شد* وآنها را ترک فرموره باز ورکشتی سوار شده بطرف ۱۴ ویکر روانه کشت و ایشان نان کرفتن را فراموش کروه جزیک ٥٠ كروه وركشتي با خود نداشتند * واو أيشان را قدغن فرمود كه با خبر بوره ارخمير ملية فريسيان وخمير ملية هيروويس احتياط عائير ۱۷ * وایشان با خود اندیشهره گفتند زانست که نان نداریم * وعیسی ارآن مطلع شدہ بایشان فرمود کہ بچہ سبب قباس کمٹائید کہ از آنجاست که نان نداریم آیا هنوز ورک نمی نائمید ونمی فهمید ۱۸ وتا عال ولهای خودرا سنحت وارید ۱۰ یاکه چشم وارید ونمی ۱۹ بینبد وکوش دارید ونمی شنوید و یادنمی آرید* آنوفت که پنج کرده را بربنج هزار تقسيم نمووم چند طبق مملو از بارها بر واشتير ويرا ٢٠ كفتند ووازوه * وآنوت كه هفت را بر چهار هزار چند سبدمملو ١١ از كارا بر واشتيد كفتند هفت * ايشانرا فرمود بس چرا وريافت ۲۲ تمینانمیر * و بیت صیرا آمر که کوری را مردم نرو وی آوردند ۲۳ والناس نمورند که اورا مس نابد * واو وست کوررا کرفته از قربه اش بیرون برد وآب دهن برچشمهای وی افکده ورسنهای ۲۷ خودراً بر وی کذاشته ستوال نمود که چیزی میتوانی دید * واو بالا ۴۵ نکرسته کفت مردمان را چون ورخت روان می بینم * بعد از آن رست برچشمهای وی نهاره ببالا نکرانش ساخت واو صحیح ٢٧ كشة هركس را آشكارا ميديد * بس اورا جنانه اش فرستاره ۷۷ کفت که نه واخل قریه شو وزه ورآنجا باسی بکو وعیسی وشاکروان

وات قیصریم عیلبوس رفتند دور اثنای راه از شاکردان خویش ۲۸ سؤآل نموده كفت كه مروم مرا چەكس مىكويند * ابشان حواب واوندكه بجباي غسل وهنده وبعضي الباس وبعضي مكبي از ١٩ انبيا * ايشانرا فرمود كه شما مرا چركس ميدانيد كه بطرس جواب ۳۰ واوه کفت تو مسیح هستی * پس آنهاراقدغن فرمور که بهیج ۱۰۰ کس را ازو مطّع نسازند * وشروع ور تعلیم آنها فرموده بایک فرزند انسانرا ضروريست متحمل چيزاي بسيارشون وارمشاليخ ورؤساى كهنه ونويسنده كان مروور شدن وكشنة كشنن وبعدارسه ٣٠ روز برفاستن * واليمقرمه را آشكارا فرموو چنامچه پطرس اورا كرفته ۲۳ شروع بملامت نمود * واو برکشته بر شاکروان خود نظر افکنده پطرس را نهیب واوه فرمود که ای شیطان از عقب من برو زيراكه أبديشية تو از الهمات نيست بلك از انسانياتست ۱۲۰۰ پس مروم را با شاکروان خویش خوانده آنهارا فرمور که در که خواهش آمرن ورعقب من وارو خوورا انكار نموره وصليب ۲۵ خوورا برواشته ومرا پیروی نابید زانروکه هرکس که خواهید که نفس خوورا نجات وهد هلاکش خواهد نمور لیکن هرکس که بههت ٣٠ انحيل نفس خودرا تلف نايد نجاتش خواهيد واو * چه آكرانسان تامی ونیارا جمع ناید ونفس خوورا هلاک سازو چه فایده بحهت ٣٧ وي خواهير واشت * يا آنكه انسان چه چيز بعوض جان خور ۳۸ خواهد واو * لهذا هرکس که وربین طبقهٔ زانی کناه کار از من واز کلام من شرمنده شود نرزند انسان نیز هنکامی که ور جلال بپرر خور ا ملایة مقرسه خواهد آمد ازوی شرمنده خواهد بور

مرقس * 🖁 *

ا پس آنهارا فرمود بدرسسی که بشما میکویم ورین ایستاره کان كساني ميباشندك وابقة مرك الخواهد چشير ما وامى كه مشاهده ۲ تمایند که ملکوت فدا با قدرت می آید * وبعد ارشش روز عیسی پطرس وبعقوب وبومنارا برواشة بتنهائي برفرازكوه بلندي برو ٣ وچهره اش ور نظر آنها متغير كشت * چنامچه لباس وي ورخشان وچون برف بغایت سفید کرویدکه بهیج کاوری ور ۴ روى زمين چنان سفيدنمي تواند نمود * والياس با موسى برآنها ه ظاهر كرويزندك با عيسى تكلّم منمووند * پس بطرس توجيه نمووه بعیسی کفت رہی ارا نیکوست که وراینجا ماندہ وسه سایبان مکی بھرے تو ویکی بجہت موسی ویکی بجہت الباس آراستہ ٢ كنيم * زانروك نمي فهميدكه چه ميكويد از آنجاكه هراسان شده بورند* که ابری برآنها سایه انداخته وصدائی از ان ابر گفت اینست پسر محبوب من اورا بشنوید* وور ساعت بهر طرف ٩ نظرانداخته جز عيسي وبس جيج كسيرا با خود نديدند وهنكامي كه ازكوه بشبب مي آمرند أيشاترا تأكير فرمودكه از آنجه مشاهره نموره بورند بهیچ کسی ا مطّع نسارند تا آنکه فرزند انسان ار ١٠ مروه كان برخيرو * وآن سخن را كرفته با يكديكر مباحثه مي نمووندكه ١١ آيا برفاستن از ميان مرده کان چه خواهيد بود * پس از وي سوال نمووندك بس چرا نويسندهكان ميكويندك آمن الياس ١١ نخست ضروريست * آنهارا ورجواب فرمود بدرستى كه البائن پیش می آید وجمه چیزارا ورست مناید وبنوعی که نوشته شده

مرقس * 9 *

است جهت فرزید انسان که زهمتهای بسیار کشید واورا ا ۱۳ چیز انکارند خواهند شد * لیکن من بشما میکویم بدرستی که چنامچه بجهت الباس نوشته شده بور آمر وآنچه خواستند بر وی جاری ۱۴ ساختند* پس نزو شاکردان خور آمده وید جماعت بسیاری را بدور ٥٠ أنها ونويسنده كانراكه با أنها مباحثه ميمووند * وفي الفور تامي خلق محزو ويدش متحتر كشة وروان بيش آمره بروى سلام ١٧ نمووند * پس نويسنده كانرا پرسيد كه ! اينها چه مباحثه مناتير * كه یک نفراز آن جماعت جواب داره کفت که ای استاو فرزند ۱۸ خورراکه روم کنگ ور اوست نزو تو آوروهام *که هرجا اورا میکیرد بر زمینش می اندازد چنانک کف مناید وزیدانهای خودرا برهم ميزيد وبيوسة لاغر ميشود شاكروان تورا كفتم كه اورا بيرون ١٩ كنند ليكن نتوانستند* اورا جواب داره فرمود اي طبقة بي ايان ٢٠ تاكبها با شمّا باشم وتأكى متحمل شما كردم نزد منش آريد * بس اورا نزر وی آوردند دچون اورا رید در ساعت روح دیرا کرفته ٢١ برزمين افتتار وكف نموره مي غلطيد * بدر ويرا برسيد كه چند ۲۲ کاهست که باین مرض مبتلاست کفت از طفولیت * وبارا اورا هم ورآتش هم ورآب افكنده است كه هلاكش غايد خلاصہ چنانچہ کاری میتوانی نمود بر ما ترجم فرمودہ مارا امراد نا ۲۳ * عیسی ویرا فرمود که اکر میتوانی ا بان آورد هر چیزی بجهت ۲۷ مومن ممكن أست * كه ورساعت بدر طفل فرياو نموده كريه ٢٥ كنان كف أي آفا ايان دارم سستى ايانمرا يارى عا * وجون عيسي ملافظه فرمود كه كروهي دوان مي آيند أنروح بليدرا نهيب

مرقس * 9 *

واره باو فرمورکه ای روم کنک کر تورا میکویم که از وی بیرون ۲۶ آی وبعدارین در وی داخل مشو * پس فریاد کرآ ورده وبسیاری مرتعشش نموره از وی بیرون رفت وطفل مانند مروه کشت ۲۷ چنامچه بسیاری کفتند که مروه است * لیکن عیسی وست اورا ۲۸ کروسته باندرش نموو که بر پا ایستاو * وچون جخانه آمد ور خفیه شاکروان ازو پرسیزند چونست که ما اورا بیرون نتوانستیم نمود ٢٩ * أنهارا فرمود كه اين نوع بهي وجه بيرون نمي شود مكر بدعا وروزه ۳۰ پس از آنجا روانه شده بر دلیل کنشتند لیکن نخواست که ١٨١ كسى مطّلع كرود * زيراك شاكروان خودرا اعلام فرموده كف ك فرزند انسان برست مروم تسليم ميشود واورا خواهند كشت ۳۲ وبعد از کشته شدن وی ور روز سیم خواهد برفاست * وآنها این سخن را نفهمیده وبپرسیدن از 'وی نیز حرأت نمی نمووند ٣٣ * پس بكفرنا حوم ورآمره و بخانه رفية از آنها سوال نمووكه ور ۳۴ عرض راه ورمیان خود چه تصور میمودید * ایشان خاموش ماندند ازآنجاكه ورميان راه بايدير كفتكومينووندكه كدام بك بزركتر ٣٥ است * پس نشسته وآن روازه نفررا خوانده وبآنها فرموركم أكركسي خواهش أن واردكه مقدم باشد مؤخر مهمه وفاوم مهمه باشد ٣٧ * وطفلي رآ كرفته ورميان ايشانش بريانمود واورا وراغوش كشيره ٣٠ آنها كف * هركس كم يكي ازين اطفال صغيررا باسم من قيول ناير مرا قبول نموره است وهركس كه مرا قبول كرو نه ۲۸ مرا قبول کروه است بلکه آنراکه مرا فرستاوه است * پس يومنا ويرآ كفت كه اى استاد شخصىرا ويديم كه ويوارا باسم تو

بیرون می کرو ولیکن مارا متابعت نمی نمود دچون پیروی مانمی ٣٩ كرو منعش نمووي * عيسي فرمودكه منعش مكنيد زيراكه بهي كس نیست که معجزهٔ را باسم من بظهور رساند وور ساعت مرا ۱۵ سب تواند نمود * رانجا که کسی که بر ما نیست از ماست * رانرو که هرکاه کسی شمارا کاسهٔ آبی از برای آشیامیدن بجهرت اسم من بدهد ارآنجاكه ازمسيج هستيد بدرستي كدبشما ميكويرك اجرخودرا ۲۲ بهیجوجه ضایع نخواهد نمود * وهرکس که یکی از بین حقیرانراکه معتقد منند بلغزاند ویرا بهتر است که سنک آسیائی ورکرون او ١٨٠ ايداخته شوو وور وريا افائده كروو * پس هركاه كه وست تو تورا بلغراند قطعش ناکه جهت تو بهتراست که بیرست واخل حیات شوی آر آنکه رو وست راشته وارو شوی در جهنم ور ۲۸ آنشی که خاموشی نبزرو * جائی که کرم ایشان نمی میرو وآتش ۲۵ خاموش نکرور * وهرکاه که مای تو تورا بلغزاند ببرش که بجهت تو بهتر است که لنگ وافل حیات شوی از آنکه وو یا واشته ۲۷ افکنده شوی ور جهنم ورآتشی که فاموشی نبزیرو * آنجا که کرم آنها ۸۷ نمی میرو وآتش فاموش نم*ی کروو * وهرگاه که چشم* تو تورا بلغران**ی**ر بیرونش آر که تورا بهتر آست که یک چشه واخل ملکوت فدا ۸۸ کروی از آنکه ووچشم واشته ور آنس جهنم افکیده شوی * آنجا که ٢٩ كرم آنها نمي ميرو وآتش فاموش نميشود * زانروك هركس بآتش ٥٠ نمكين خواهيد شد وهر قرباني انمك نمكين خواهيد كرويد * بدرستي كه نمك نكوست ليكن هركاه كه نمك فأسد شود بچه چيزش اصلاح خواهير نمود ورخود نمك واريد وإهم صلح غائيد

مرقس* ۱۰*

باب دهم

، پس از آنجا برفاسته وازان طر**ف** رود اردن بنواحی بردوته آمرکه ويكر بارجماعتى بروى جمع آمزند واوبر حسب عاوت بار بايشان ۲ تعلیم می واو * که فریسیان پیش آمره از روی امتحان از وی ٣ سوآل نمووندكه آيا مرورا طلاق واون زن جايز است * ور ٨ جواب إيشان كفت كه موسى شمارا چه فرموره است * كفتند که موسی بنوشتن طلق نامه وبیرون نموون وی حکم واوه است ه * وعیسی ور جواب فرمود که بجهت سنکدلی شما این حکمرا برای شمأ نوشته است * لیکن از آغاز آفرینش خدا ایشان را نر · وماره آوريره است * وارآنست كه انسان بدر وماور خوورا وا م كذاشة بجفت خويش مى پيوندو * وايشان هر وو يك تن خواهند بور چنامچه بعد آز آن رونمی باشند ملکه یک جسم اند ٩ * وازين جهت آنجه راكه فدا بيوند نموره است بهيج كس جرا ۱۱ نکند * ونیز شاکروان ور خانه ازین مقدمه استفسار نمووند * وآنها را فرمود که هرکس که زن خوورا طلق وهند ودبکری را ور سلک ۱۱ اروواج کشیر نسبت آن زن زنا نموده است * واکر زنی از شوهر خود طلق کیرو وور نکام ویکری ور آید مرتکب زنا شده ١٠٠٠ است * وورآن هنكام طفلي چندرا نرو وي آوروندك آنهارا ١٨ مس نابير وشاكروانش آورنده كانرا نهيب نمووند * وعيسى ملاحظه فرموره اورا نافوش آمد وآنهارا فرمور که کورکانرا اجارت وهید که نرو من آیند وایشانرا نهیب نمائید زیراکه ملکوت خدا امثال ٥١ ايشانراسي * وبررستي كه بشما ميكويم كه هركس كه ملكوت

١١ فدارا چون طفلی نبزرو هرکز ورآن واخل نخواهد کشت "بس آنهارا ورآغوش كشير ووست برآنها نهاده ورحق ايشان ۱۷ وعا فرمود * وهنگامی که براه میرفت شخصی روبده و پیشش برانو ورآمره كفت أي استاو خوب چه فعل را نايم تا وارث ۱۸ صیات جاوید کروم * عیسی ویرا فرمود که چرا مرا خوب کفتی وجال ١٩ آنك إيج كس خوب نيست جر مكي يعني خدا * أحكام را ميداني که زنا مکن قتل مکن وزوی مکن شهاوت زور مکو فریب ۲۰ مده مدر واور خودرا محترم دار * او در جواب کفت ای استاد الا علمي أين احكام را از ابتدائي جواني محافظت نموده ام * أنكاه عیسی بر وی ملتفت شد وبروی رحم نموره کفت که تورا یک چیز باتی است برو وهرچ واری بفروش وبفقرا وه که ورآسمان كنجى خواهى بأفت پس بها وصليبرا برواشته متابعتم عا ۲۲ * لیکن او ازین سنخن ترش شده وغمکین روان کروید زانرو که ۲۲ اموال بسبار واشت * وعيسى باطراف نكريسته بشاكروان خود كفت كه صاحبرولتان چه وشوار واخل ملكوت خدا مى كروند ۴۴ وشاكروان ازسخن اومتحتر كشتندكه عيسي باز التفات فرموره بایشان کفت ای فرزندان من چه وشوار است واخل ملکوت ٢٥ فدا كرويدن آناني راكه اعمّاد براسباب ونيويست * بتحقيق كه شتررا ارسوراخ سورن كنرشتن اسهل است ازآنك وولتمندى ٢٦ واخل ملكوت خدا كروو * كه أيشان بغايب متحتير كشة بايكرير ٢٧ كفتند پس كيست كه ناجي تواند بود * عيسي برآنها نظر افكنده فرمووكه نزو انسان محالست ليكن بيش فدا نيست زيراكه

مرقس * ١٠ *

٢٨ جميع چيزا زو فدا ممكن است * أنكاه بطرس آفاز نموه كفت ۲۹ اینک ما همه را ترک نموده تورا منابعت نمودیم * عیسی ور جواب فرمود بدرستی بشما میوم میچکس نیست که فانه یا براوران یا خواهران يا بدريا ماوريا زن يا أولاديا املك را بحبه من ٣٠ وجهت أحيل ترك نموده بأشد * جزآنكه صد چندان از خانها وبرادران وخواهران ومادران وفرزندان وملكها أكنون بأعقوبات ٣١ وور جهان آينده حيات أبدي اليد * وبسا أولي كه آخر كروو ۳۲ وآخری که اول * دورا ثنای راه که بسوی اورشلیم میرفتند وعیسی پیش روی آنها میرفت متحتر کشتند دور دالی که بیروی اومیمودند خایف کروبدند پس آن روازه نفررا بکنارهٔ برده بخبر واون آنها ۲۳ از آنچه بروی واروشدنی بود شروه نمود * که اینک بسوی اورشلیم ميرويم وفرزندانسان برؤساي كهنه ونويسندهكان تسليم كروه خواهدا شعه والبشان حكم بفتل وى خواهد نمود وبدست قبايلش خواهند ٣٧ سپرو و وآنها بروي استهزا خواهد كرو واورا خواهد زو وآب وهن براو خواهد افكد واورا خواهد كشت وور روز سيم خواهد بر ٢٥ فاست * پس يعقوب ويودنا فرزندان زبدي نزو وي امره كفتند ای استاد استدعا داریم که آمچه از نوسوال نایم بهرت با بعل ٢٠٠٠ آرى * ايشانرا فرمود چاخواهش داريدكه بجهت شما بعل آرم ٣٠ * كفتند باعظ فرما ايكه ورعالم جلال تو يكي برراست وديكري ۲۸ برچپ تو بنشینیم * که عیسی ایشازا فرمووکه نمیرانیرکه چ خواهش منائميرآ ياكه استعداد نوشيدن ازآن ساغركه مينوشم ۴۹ وغسل نموون از آن غسلی که من مغسول میشوم وارید* گفتند

بلی استطاعت واریم بس عیسی بایشان کفت که البته از آن ساغری که من مینوشم خواهید نوشید دار آن غسلی که من مغسول ٨٠ ميشوم غسل خواهير الون * ليكن نشستن بر راست وچپ من زان من نیست که برهم مکرآنان راکه بجهت آنها مهیا ۸۱ شده است * وآن وه شاكرو اين را شنيده از يعقوب ويومنا ٨٢ فشم كرفتند * بس عيسي أنهارا خوانده كفت مظع ميباشيدك بزركان قبايل برأيشان تحكم منانيد ومشابخ برآنيا سلطنت ۴۳ میرانند * لیکن ور میان شما چنین نباشد بلکه هر که خواهش ۲۴ وارد که ورمیان شما بزرگ کردو فادم شما کردد * وهر که خواهش ۴۵ وارو که ورمهان شما مقدم کرود ملازم به کرود *زیرا که فرزند انسان نيز بجهت مخدوم كرويين نيامره است بلكه بجهت خارم بورن وتا آنکه نفس خوررا بحبت فدای بسیاری بذل ناید ۴۷ پس به برجا آمرند وهنگامی که از برجا با شاکروان خود و کرده بسياري ازمروم بيرون ميرفت برطيمي كور فرزند طيمي برطرف ۸۷ راه بجهن سؤال نشسته بود و چون شنید که عیسای ناصریست شروع بفر باو نموده گفت كه اي عيسي ابن واوو بر من ترخم فرما ۸۸* وبسیاری از خلق اورا تهدید نمووند که خاموش کردر که او بسیار ۴۶ زیار برآن فریاد نموده گفت ای فرزند واود بر من ترقیم فرما * که عيسى ايستاره فرمودكم بخوانيرش وايشان أن كوررا أوازنموره ٥٠ كفتند فاطرجمع وار وبرخيركه تورا طلب منايد * واو عباي خوورا ٥١ نهاوه برفاسته نرو عيسي آمر * وعيسي بوي توجه فرموره كفت چه خواهش واری که بحبهت تو بعل آرم آن کور گفت رہی ہمین

مرقس* ۱۰ * ۱۱ *

۵۰ که بینائی خوررا بیایم * وعیسی اورا فرمود که بروکه اعتقار تو تورا نجاب واوه است او در جاندم بینا کشته ودر راه دریی عیسی روان کردید

باب يازدهم

و چون به بیت فاکن وبیت عنبا بر کوه زیتون بنرویکی اور شلیم ۲ آمرند از شاکردان خور رو نفررا روانه نرمور * وایشانرا گفت که باین قریه که مواجه شماست رفته وور ساعت که واخل آن میشوید خواهیر بافت کرهٔ را بسته که چیکس بر آن سوار نشده است ٣ پس باركروه بياريدش * وهركاه كه كسي شمارا كويدكه چرا چنين ميكنيد بكوئيد كه فداومد بآن احتياج وأروكه ورساعت اورا باينجا خواهد فرستاو * وایشان رفته آن کره را برسر دو راه وربیرون ه وربسته بافتند پس انرا کشاوند * وبعضی از آنان که ور آنجا ایستاده ٠ بورندايشانرا كفتندكه اين كره را بازميائيد چاكنيد وأنها چناكه عیسی فرموره بود گفتند که ایشان آنهارا را نمووند* پس آن کره را نرو عیسی آوروه لباس خویش را برآن نهاوند واو برآن سوار ۸ شده * وخلق بسیاری لباس خودرا ور راه کسترانیده وبعضی شاخی چند از ورفتان بریده ور راه فرش نموزند * وآنائکه پیش وعقب ميرفتند فرياد نموره ميكفتند هوشعنا مبارك بارآن كسي ۱۰ که باسم فداوند می آید *ومبارک باد ملکوت بدر ما واوو که بنام " آن خداوند می آید هوشعنا در عالم اعلی * وعیسی در اورشلیم وهيكل واخل كشته باطراف جميع لجيزا نظرنمووه أزآنجا كهشام ۱۲ کشته بود بآن روازره شاکرد به بیت عنیا رفت * رور روز دیگر

۱۳ هنگامی که از بیت عنیا می آمزند کرسنه بود + که ورخت انجیر سبزيرا از وورمشاهده نموره آمدكه شايد چيري برآن يابد وچون نزویک رسید جز برک چیزی نیافت زانروک موسم انجیر نبود ۱۴ * پس عیسی توجه فرموده بآن گفت که بعد ازین تا بابد مهیکس ٥١ ارتو ميوه نخورد وشاكروان اين سخن را شنيزمه كيس باورشليم آمرند وعیسی ور هیکل داخل کرویده شروع به بیرون کرون آنان که در هیکل خرید وفروفت مینموزند نمود و تختهای صرافان ١١ وكرسيهاى كبوتر فروشائرا وازكون سافت * ويهيكس را اجازت ١٧ نميداد كه ظرفي را از ميان هيكل بيرون برو * وآنهاراً تعليم واده ميفرمود كه آيا نوشة نشده است كه ذانة من بربيت التمام تأمي تبایل نامیده خواهد شد وشما آزا مغارهٔ وروان ساخته اید ١٨ * ونويسنده كان ورؤساى كهذ آنمقرمرا شنيره ورجستيو مي بورند که اورا بچه بهانه هلاک سازند که از وی مخوف بووند از آنجا که ١٩ خامي مروم از تعليمش متحتمر ميبوزند * وچرن شام كرويد از شهر ٢٠ بيرون رفته * وصابح هنكام كنشتن ايشان أر آنراه أن ورخت ٢١ الحيررا از بينخ فشك بافتند كه بطرس متذكر كرويده ويراكف که رتبی اینک ورخت انحیری که نفرینش نمودی خشک کرویده ۲۲ است * عیسی ورجواب ایشان فرموده که بخرا ایان وارید ۲۳ * بدرستی که بشما میکویم هرکس که باین کوه بکوید بر فاسته ور وریا افكره شو وور ول خور شك ندارد بلكه اعتقار واشته باشدكه ۱۲۷ آئے۔ میکوید واقع میکرور ہرچ کوید بحہت وی خواہد شد* وزیر شمارا میکویم که درچرا وراثنای وها طلب نائید اعتقاد وارید که

٢٥ آزا خواهير يافت كه بجهت شما واتع خواهد كشت * وهنكامي كه بدعا نمودن بايستيد آكر ازكسي شكايتي واريد عفو نائيد تا آنك بدرشاكه ورأسمانست نيز خطاأى شمارا بجهت شما ميامزرو ۲۷ * وهرکاه که نبخشیر میرشماکه ور آسمانست نیز کنابان شمارا ۲۷ نخواهد بخشید * وار اورشلیم آمرند دور حین خرامین او در ۲۸ هیکل رؤسای کهنه ونویسنده کان ومشایخ نرو وی آمده * ویرا کفتند که بچه اقتداراین کارارا منائی وکیست که این قدرت را ٢٩ بتو واوه است كه اين كارارا منائى * عيسى ورجواب ايشان فرمور من نيز ازشما يك سؤال وارم مرا جواب وهيدك من ٣٠٠ نيزشارا خواهر كفت كه بچه اقتدار اين كارارا ميكنم ١٠ يا غسل ٣٠ تعميد بحيى ازآلسمان بوديا ازخلق مراّ حواب رهيد * وايشان با خور اندیشمیره گفتند آکر کوئیم از آسمانست خواهد گفت چرا ۱۳۴ بان نیاوروید باو * واکر کوئیم از خلق است از مردم خایف ٣٣ هستيم از آنجا كه بجيبي را مهد يبغمبر برحق ميدانستند * بس عيسي را ورجوا كفتندكه نمى وانيم عيسى نيز بايشان جواب واوه كفت كه من نيزنمي كويم كه أين كأرارا لبجه اقتدار منهايم باب دوازدهم

ا پس در مثال با آنها شروع بنگلم نموده فرمود که شخصی تاکستانی را غرس نمود واطراف آنرا محصور کروانیده وشیره خانه کنده و منظری ۲ عمارت نموده ساغبامانش سپرده روانهٔ مملکت ویکر کشت و ور موسم ملازمی را فرد آن کار کنان فرستاده که چنری از میوه ۳ تاکستان از آن کارکنان باید و وابشان اورا کرفته زوند ونهی

۵ وست بر کروانیزندش * که باز ملازم دیگری را نزوایشان فرستاده که سنک بر وی افکنده سرش را شکستند وخفیفش نموده بر ه کروانیدندش * وریگر بار ویکربرا روانه نموره که ایشان کشتندش ۷ وبسیاری دیگرراکه ایشان بعضی را زوند وبعضی را کشتند وفرزندی باقبی واشت که محبوب وی بود عاقب اورا نیز نرو ایشان • فرستاوه کفت یقین که از فرزند من خجل خواهد کشت * لیک آن باغبانان با خود گفتند که اینست وارث میانید تا اورا بکشیم ^ که میراث آزما کروو * پس اورا کرفته کشتند وور خارج تاکستان ٩ افكندند *آيا صاحب ناكستان را چه خواهند كرو بلي خواهند آمد ١٠ واغبانارا هلاك خواهد نموه اكستانرا بديكران خواهد سهرو ١٠ يا این نوشترا مطالعه نمووه اید که سنگی را که مبنآیانش حقیر نمووند " برسر زاویه واقع شد* از جانب فداوند اشتقامه واقع کروید وور ۱۲ نظر ماعجیب است * وایشان ارادهٔ کرفتن وی کروند از انجا که چنین وانستند که این مثل را بجهت آنها زو لیکن از خلق ۱۳ ترمسیره اورا کزاشته رفتند * وتنی چند از فریسیان وهیروویانرا ١٨ نرو ومي فرسناوند كه كاه هست ورتكلمش بدام آرند وآنها آمده كفتنداي استاو مارا يقين است كه راست كوئي واز سيكس نمی اندیشی زیرا که ورظاهرخلق نمی نکری بلکه راه خدارا براستی تعليم منائي آياكه جربه واون بقيصر جايز است يانه بدهيم مانه ٥٠ * واو نيرنگ آنهارا يافته كفت از چه رو مرا امتحان مفاتيد ١١ ويناري إنرومن آريد تا ملاحظه نايم * پس ايشان آوروند واو ایشانرا کفت که این تصویر وفط ران کیست گفتند از قیصر

مرقس * ۱۲ * · ۱۷ * پس عیسی ور جواب ایشان کفت که چیزامی قیصربرا بقیصر ۱۸ وصید وچیزای خدائی را بحدا وایشان از وی تعجب نمورند* آنکاه ١٩ صروف بأن كه منكر قسيامتند نرو وي آمره سنوال نموره كفتند * اي اسناد موسی بجهت ما نوشته است که اکرشخصی بمیرد وزنی را بار كذارو وفرزندي ارو ناند براور وي زنش را كرفته نسلي بجهت ۲۰ براور خود جاری سازو * وبودند هفت براور که نخستین آنها زنبی ٢١ كرفته ومرو واز وي نسلي ناند* ودونمي اورا كرفته ومرد واو نيز بهيج ۲۲ اولاد نکذاشت وهم چنین ستیمی * وبهمین نهیج آن هفت نفر اورا كرفته وهيج أولاو كناشتند وبعدار مهمه آن ضعيفه نيرفوت ۲۲ کروید پس آن زن ور روز قبامت هنگامیکه بر میخیزند زن كرام يك أز آنها خواهد بود زا نجاكه آن هفت نفر اورا بزني ۲۷ كرفته بووند * عيسى ايشانرا ورجواب فرمووكم آبا كمراه نيستير ٢٥ زانروك نه نوشتها ونه قدرت خدارا ورك منائمير * چه هنكام برفاستن مرده کان نه نکام میکنند ونه نکام کروه میشوند ملکه چون ٢٩ ملايك ورأسمان هستند * وآيا بخصوص مره كان ورفاستن ایشان ورصحیفهٔ موسی مطالعه نکرده اید که چکونه فدا در بوته با وی تکلم فرمورکه منم خدای ابراهیم وفدای اسحاق وفدای یعقوب ۲۷ * وبتلحقیق که او خدامی مروه کان لیست بلکه خدامی زنده کانست ۲۸ پس شما بسیار خبط نموده اید * ویکی از نویسنده کان که مبادشه ایشانرا شنید وافت که آنهارا جواب صحیح واو پس آمره از ۲۹ وی سنوال نمود که سر جمهٔ احکام کدامست * عیسی ور حواب وی فرمود سر همهٔ احکام اینست ای اسرائیل بشنو فداوندی که

مرفس * ۱۲ *

۳۰ فدای ماست بک فداوند است * بس آخداوندراکه فدای نست بهمكي ول خود وجمكي دان خور وجمكي خبال خور وجمكي ١١١ توانائي خود روست وار حكم خستين اينست وحكم روي كم مثل آنست اینست که آشنای خوررا چون خود روست وار ۲۴ وبزر کتر از اینها فرانی ویکر نیست * پس آن نویسنده ویرا كفت خوبست اى استار سنحن حقى كفتى زيراكه يك خداست ۲۳ وجزا و دیگری نیست * واینکه آورا بهمکی ول وهمکی فهم وهمکی جان واعمى توانائى ووست واشتن وآشناى خوورا چون خور روست واشتن از جمكي قربانيهاي تام سوخته وهديها افضل ۲۳ است * وعیسی ور او نکریست که عاقلانه جواب واره ویرا کفت که از ملکوت حذا رور نیستی وبعد ازآن جیکس جرأت ۳۵ پرسیدن ازوی تعمور * وعیسی در هیکل در اثنای تعلیم نمودن توج نموره فرموركم چكونه نويسنده كان ميكوندكم مسيم فرزند واود ٣٧ است * باوجور آنكه خور راور بوساطت روم القدس كفته است بدرستی، فلافد بخرافد من گفته است که بنشین بروست ٣٧ راست من تارشمنان تورا ورمحل اقدامت كذارم * وجون راور خور اراً خلاوندخوانده است چسان او فرزند وی باشد ٣٨ وعوام النَّاس سنحنش را بخوشنودي مي شنيرند * ووروعظ خود كفت أنهارا أزنويسندهكان احتياط كنيركه ايشان راه رفتن را ٣٩ ورلباس بلند وسلامرا ور بازارا ووست ميدارند * وور مجامع ۲۰ صدر امکنرا دور ضافتها جابهای اعلیرا * اینان که ظامای بيوه زنانرا مي بلعند ونازرا بريا طول ميرضد عقوست عظيمي

120

مرقس * ۱۲ * ۱۲ *

۱۱ خواهد یافت * وعیسی ور مقابل بیت المال نشسته خلق را ملاحظه میمودکه بچه وضع ورمرا ورخزینه می انداختند وکروهی از ۲۲ توانکران بسیار می انداختند * که بیوه زن مسکینی آره وو فلس را ۲۲ توانکران بسیار می ایداختند * که بیوه زن مسکین زیاو خودخوانده کفت بررستیکه بشما میوی که این بیوه زن مسکین زیاو ۲۲ تر از به کمی آنها که ور خزید انداختند انداخت * زانروکه تامی آنها از زیاوتی خود افکندند واین ضعیف از فقر خودجمیع آنچه واشت بعنی تام معیشت خوررا افکد

باب سيزدهم

ور حین بیرون رفتن ومی از هیکل یکی از شاکروانش اورا کفت ای استار ملافظہ فراکہ چانوہ سنکہا وچانوہ عمارتہاست * عيسى ويرا جواب واوه كفت آين عمارات رفيع راكه مي بيني بدرستیکه جیج سنکی برسنکی نراشته نمی شود مکر آنکه افتاره خواهید ٣ شد * چون بركوه زيتون مقابل هيكل بنشست بطرس ويعقوب ٨ ويومنا واندرياس ورففا ازوى سؤال نمووند كه مارا مطلع ساركه كى اين چيزا واقع خواهركشت وچيست علامت هنكاميك ه جمیع این چیزا خواهد بسرآ مد• پس عیسی ورجواب آنها شروع ٧ نموره فرموركه با حدر باشيدكم كسي شمارا كمراه نمايد * ريراك بسیاری باسم من آمره خواهد کفت که من هستم وبسیاری را كمراه خواهد نمود * وچون رزمها واخبار جنكهارا بشنوير مضطرب مشويد زيراك وقوع أن چيزا ضروريست أما انجام كار هنوز نرسيره ٨ است * كه قبيلة برقبيلة ومملكتي برمملكتي فواضد برفاست

وور بعضى ازامكنه زلزلها واقع خواهيد كشت وتنحط واضطراب ٩ بديد خواصداً مد واين چيزا اول ورو زائيدنست * ليكن شما از براى خود احتياط عاتير زانروكه شماراور شورا المحفل الخواهند كشبير وزوه خواهير شد وور نرو برركان وسلاطين بجهت فاطر ١٠ من حاضر خواهيركشت تا شهاوتي باشد بر آنها * وخست اا اعلام بالحيل ورتام قبايل ضروريست * وچون شمارا پيش اندافت تسليم غايند مينديشبيرك ج دواهيركف ومتفكر مباشير بلكه آيجه ور آنساعت بشما واوه ميشوو بهانرا بكوتبير زانجاكه شما ١١ نيستيركه سنحن ميكوئير بلكه روم القدس است *آنكاه براور براوررا بهلاکت خواهد واو وبدر بسررا وفرزندان بر والرین خود ١١٠ خواهد برفاست وايشارا بقتل خواهد رسانيد * وبجهت اسم من تامی خلق شمارا وشمن خواهند واشت لیکن آنکه تا انجام ۱۱۷ کار صبر ناید نجات خواهیر بایت * وهرکاه که کراهت قرین ویرانی را که وانبال رسول کفته است ور دانی که نمی بایست ایستاو بنکرید هرآئینه هرکس که میخواند بداند آنکاه آنان که ور ٥١ برووته اند بكوهستان قرار نايند " وأنكه بر بام فانه است بائين نیاید جانهٔ خور وجهت بر واشتن چیزی از فانهٔ خور واخل ١١ نكروو * وآنكه ور زراعت است بحبهت برواشتن لباس خور ۱۰ باز نکروو * لیکن وای بر احوال آبستنان وشیر وهده کان ور ١٩ آن آيم * ودعا كنبيركه فرارشما ور زمستان واقع نكرود * زيراكم چنان زخمتی ورآن ایم واقع خواهیر کشت که آز آغاز آغرینش که خدا خلق نموره است تا این زمان نبوره است وخواهد بور

۴۰ واکر خداوند آنروزارا کوتاه تنموری جربج بشری نجات نمی یافت لیکن بجهت فاطر بر کزیده کانی که خود بر کزیده است آن آیام را ٢١ كوناه ساخت * پس ور آنوقت أكر كسي شمارا كويركه أينك ٢٢ مسيج وراينجاست يا ورآنجاست باورمكنيد وانروكه مستحان كانرب وبيغمبران كانرب خواضد برفاست وچيزامي عجيب وغریب نشان خواهد واو که اکر ممکن می بود بر کزیده کازرا هم ۴۳ كىمراه مىنمورند* ليكن شما احتياط نائيد كەللحال ہمە چيزارا قبل ۱۲۷ از وقوع بشما گفته ام * وور آنروز بعد از آن زحمت خورشید ٢٥ تاريك خواهد شد وماه نورخوورا بار خواهد كرفت * وستاراي ۲۷ آسمان خواهند افتار وقویهای فلکی مضطرب خواهد کروید * آنگاه فرزند انسانرا ورابر بقوت عظیم وجلال خواهند وید که می آید ۲۷ * پس ملابکهٔ خوورا خواهد فرستارکه بر کزیده کان خویش را از باوبای اربعه از اقصای زمین تا باقصای آسمان خواهند فراهم ۲۸ ورو* الحال مثلی از ورخت آحیر سیامورید که هنکامی که شاخههای الرك آن نمو مناید وبرك میرویاند فصل تابستانرا نرویك ١٩ ميدانيد مشما هم باين نهج چون اين چيزارا واقع بينيد بدانيدكم ۳۰ نرویک است لکه برور است * بررستیکه بشما میکوی که تا تامی ٣١ اين چيزا واقع نكرود اين طبقه منقرض نخواهد كشت * آسمان وزمین زایل خواهد کشت وسخن من زایل نخواهد کردید ۳۲ * وبر حقیقت آنروز وآنساعت سوای پدر نه ملایمهٔ آسمان ونه ٣٣ فرزند ميريكس مطّع نيست * احتياط نائيدكه باحدر باشيد ووعا ۲۲ نائیدزیرا که از هنکام رسیدن آنزمان مطّع نیستید * چنانچه

مرقس * ١١٠ * ١١١ *

شخصی بسفر بعیدی رفته وفائه خودرا کذاشته وملازمان خودرا قدرت داده وهرکس را بشغل خاص مقرر فرموده ودربانرا به ۲۵ میدار بودن امر فرمود * پس میدار باشیر از آنجا که نمیدانید که بزرک خانه چه وقت خواهد آمدور شام یا نصف شب یا وقت ۲۲ بانک خروس یا صبح * مباواکه ناکاه آمده شارا ورخواب بابد ۲۷ قانچه من بشما میکویم بهمه میکویم میدار باشید

باب چهاردهم ا وبعدار وو روزعيد فصح وفطير رسيده برركان كهذ ونويسندهكان ورجستیو می بودند که چکونه اش بمکر وستگیری کرده بقتل رسانند ۴ * ليكن ميكفنندنه ورعيد مبادآكه ورميان خلق شورشي پديدآيد ۳ * وور حینی که ور بیت عنیا ور فاته شمعون ابرص بحبهت تناول نشسته مي بود ضعيفة باحقة برار عطر سنبل فالص كران ٨ بها أمره وآن حقَّرا شكسته برسر وي برنجت * وبعضي بودند كه ورخود غضب آلود كشته كفتند چرا این عطر چنین تلف كروید ه * چەممكن بوركه برياده از سيصد رينار فروخته شده يفقرا واره ٧ ميشهد واز آنضعيف اعراض نموزند كه عيسي فرمود اورا بكذاريد جیه جهت اورا مکذر منائید که بامن کاری نیکو نموده است * ك فقرارا مميشه إ خود واربد وهركاه كه خواهيد ايشانرا احسان میتوانید نمود لیکن مرا همیشه با خود ندارید * واو آجه قدرت واشت بعل آورو زيراك سبقت جسة مرفرا بجهت وفن و معطر تمووه است * وبدرستي كه بشما ميكويم ورتام عالم هر فاكه بين مرده ندا خواهد شد آنچه اين ضعيفه بعل آورو نهبت

مرقس * ۱۲۱ * ۱۰ یاو کاری وی گفته خواهد شد * پس بروای اسکریوطی میی از آن ودارده نفر بود نرو برركان كهذرفت تا آنكه اورا بايشان ١١ سبارو * وأنها اين مقدّم را شنيره خوشنود كرويره وعدة واون ورم نمووند واو ورجستجو بورکه چکونه اورا ور وقت مناسبی تسلیم ١١ نايد * وور روزاول عيد فطير هنكامي كه فصررا زبح ميمووند شاکردان او گفتندش کتا اراده واری نا برویم وآماده نائیم فصح را ۱۳ که تناول نائی * پس روشخص از شاکروان خودرا فرستاره آنها فرمودكه باین شهر برویر ومردى كه سبوى آبيرا برواشته ۱۱ است بشما وو چار خواصد شد از عقب وی بروید * وور هر فانه كه او راخل شور بصاحب فانه بكوئير استار ميكويدكه اوطاق ٥ كجاست تا قصررا باشاكروان خور ورانجا صرف نائيم * وأو ایوان وسیع مفروشی وآباره شده را بشما نشان خواهد واو ور ۱۶ آنجا بحهت ما مهمیاً سازید * وشاکروان او بیرون رفته ور شهر ١٠ آمره چنانيد بآنها كفته بود يأفته فصررا آماره ممووند * وچون شام ١٨ كشت با أن وواروه نفر آمر * وهنكامي كه أيشان نشسته به تناول طعام مشغول كشتند عيسي فرمود بدرستي كم بشما ميكويم ۱۹ کیبی ارشما که مجامن اگل مناید مرا تسلیم خواهید نمود * پس آنها غمناک شده ویک یک از وی سؤال نموون آغاز کروند که آیا ۲۰ من هستم وریکری که آیا من هستم * ورجواب آنها فرمود یکی ازین دوارده است که وست خودرا با من در قاب فرو ۲۱ مفاید * بدرستی که فرزند انسان بنهجی که جههت وی توشد شده است میرود لیکن وای برآنکس که فرزندانسان بوساطت

وی تسلیم شود بجهت آن شخص بهتر میبود اگر در کز موجود ۲۲ نمیکروید * ور حالتی که تناول منمووند عیسی نانی را کرفته وارکت واره باره باره نمور وبایشان واره گفت بکیرید و بخورید که این ١٣٠ جسم منست* پس جامي اگرفته وشكر جا آوروه بآنها واو وجمه ۴۷ ازآل آشامیدند * وابشانرا فرمود که این خون منست یعنی ۲۵ خون پیمان تاره که بجبهت بسیاری رنجته میشود * وبدرستی که بشما میکویم کم من بعد از وفتر رز نخواهم نوشید تا آزوز که ور ٢٧ ملكوت خدا تاره آش را بنوشم وبس از سرور تسييحات بسوى ٢٧ كوه زيتون بيرون رفتند * أنكاه عيسى ايشانرا كف. كه شما مهم ورين شبِ نسبت بمن لغزش خواهير يافت أر آنجاكه نوشة شده است كه شبانرا خواهم زو وكوسفندان براكنده خواهند كرويد ۴۸ * ليكن بعد از بر فاستن من پيش از شما بناهية جليل خواهم ٢٤ رفت * بطرس بوي كفت كه أكر جمه لغزش ما بند من نخواهم ۳۰ مافت * عیسی ویرا فرمود بدرستی که بنو میکویم که درین روز بلکه ورین شب قبل از آنکه خروس دو بار بانک زند توسه ۳۱ بار مرا انکار خواهی نمود * او بیشتر مبالغه نموده کفت اکرچه مرک من هم با نو ضرور شود هركزت انكار بخواهم كرد وقامي آنها نيز ٣٢ چنين كفتند بس مكاني كه بكشهان مسمى بورا مزرد وشاكر وان ٣٣ خووراً فرمود كه ورينجا بنشينهيرتا وعا كنيم * وبطرس ويعقوب وبو حنارا باخور برواشة شروع بمتغير كشتن وبيهوش شدن نمود

۴۵ ورانگ نموده هم**دار باشمیر * پس اند**کنی پیش رفته برزمین افتاوه 126

۲۷ * پس بلیشان فرمود که نفس من تا بمرک محزونست ور اینجا

مرقس * ۱۲ * ۲۷ وعانمود که اگر ممکن باشد آنساعت از وی در کنرو و کفت ۱ ابپرا تامی چیزا نرو توممکن است این ساغرا ازمن مکروان لیکن نه ۲۰ چنامچه من خواهم ملکه چنامچه تومیخواهی * پس آمره ایشانرا ور خواب بافت بطرس را فرمود ای شمعون میخوایی آیا که بالقوهٔ ۸۸ باسبانی یکساءت نداشتی * بیدار باشید ورعا نائید تا ور تجربه کرفتار نشوید بدرستی که روم مهیاست لیکن جسم ضعیف است ۴۰ و باز رفته و ها نمود و بهان کلمات تکلّم نمود* و بر کشته ایشانرا باز خوابيره بافت زانروكه چشمان ايشان خواب آلوده بود ومبرانستند ٨١ كه اورا چه حواب وهند * پس مرتبهٔ ستيم آمد وايشانرا كفت النون باتبي وقت را بخوابيد وآرام نائبير بس است كه آنساعت رسیده است که فرزندانسان ور وستهای تناه کاران تسلیم کروو ۲۲ * بر خیرید تا برویم اینست آنکس که مرا تسلیم مینماید نزویک ۱۲۳ است * که در ساعت در اثنای تکلّم دی بردوا که یکی از آن ووازوه نفربووا مروجماعت بسياري باشمشيرا وچوب وستيها از ۴۴ جانب روسای کهنه ونویسنده کان و مشالنخ با وی بووند * وآنکه اورا تسلیم نمود نشانه بایشان داده بود که هرکس را که ببوسم مهانست ٢٥ مكيريدش وبسلامت ببريد * وبمخرو رسيدن نرو وي رفته كفت ۲۶ رنبی رنبی واورا بوسید * بس آنها وستهای خوورا بروی انداخته ۴۷ کرفتندش* پس از آنان که نرویک ایستاده بودندیک نفرنشمشیر ۸۸ کشیره زو بملازم بزرک کهنه وکوش اورا قطع نمود * پس عیسی بآنها توجه فرموده گفت که بجهت گرفتن من چون بجهت وزو ۴۹ با شمشیرنا وچوب وستیها بیرون آمرید * وجال آنکه هر روز ور

هيكل وعظ كنان باشما ميبووم ومرا تكرفتيد ليكن بايست ك اه نوشتها کالی کروو * و ملی اورا کذاشته فرار نمووند * مکریک جوانی که بارهٔ کتانی بربدن برهنه افکنه بعقب وی روان کروید وجوانان اورا ٥٠ كرفتند * كه آن بأرچة كتانرا هم الداخة برهنه از ايشان فرارنمود ٥٠ * پس عيسي النرو رئيس كهذ اروند ويمكي ازركان كهذ ومشاليخ ۱۵ ونویسنده کان نزو وی جمع بوزند* وبطرس از دور تاور خانهٔ رئیس کههٔ از بی او روان کشته و با سرهنگان نشسته بآتش کرم میشد ه ه * وررکان کهنه وجمیع اهل شوری ورجستجوی شههاوتی بر عیسی ٥٥ ميبوزيرتا آنكه اورا هلاك نايند ليكن نمي يافتند * هرچند بسياري ۵۰ شهاوت وروغ ور بارهٔ وی واوندلیکن شهاوتها متفق نبور * پس ٥٨ چند نفر برخاسته شهاوت وروغي ور بآرهٔ وي واوه گفتند * كه ما از وى شنيريم كه ميكفت من اين هيكل راكه برست ساخة شده است فرائ خواهم نمود وورسه روز دیکریراکه بیرست مهبا شده وه است عمارت خواهرمنموو * وبا وجود این شههاوات ایشان متفق ۱۰ نبووند * پس رئیس کهنه ورمیان ایستاوه از عیسی پرسیده گفت که بهیچ حواب نمیدهی که این خلق بر توچه سان گواهی میدهند ۱۱ * واو ظاموش مانده بهیج جواب نمیداو که باز رئیس کهند از وی 4r ستوآل ممووه كفت آيا توثي مسيح فرزند آنكه منبرك است *عيسلي کفت آری منم وفرزند انسان را بر بمین اعتدار نشسته و اارای ۱۳۰ آسمان خواهید وید که می آید * آنکاه رئیس کهنه لباس خودرا چاک ١٨٠ روه كف ويكر ارا چامتراج بكواهست مكفررا شنييد الحال چ ٥٥ خيال واريدك تامي أنها وتواى استحقاق قتل ويرا واوند وبعضى

مرقس * ۱۶۲ * ۱۵ *

شروع نموره آب دهن بر دی افکندند ورویش را پوشانبدند واورا 44 مشت روه كفتندى اخبار غا وسرهنكانش سيلى ميزوند * وهنكامي که بطرس درابوان پایین میبود یکی از کنیزان رئیس کهنه آمره ۷۰ چون بطرس را وید که خودرا کرم میمود در او نکریسته گفت تو ١٨ نيز با عيسهاي ناصري يودي * ليكن أو انكار نموده كفت من نميدانم ونمی بایم که چه میکوئی وبسوی کر ایس بیرون رفت که خروس ١٩ بانك رو * وكنيز بار اورا ويده بانآن كه ور آنجا ايستاره يووند أغار ۷۰ سنحن نموده که آین شخص از آنهاست *او باز انکار نمود ویس از اندکی کسانیکه ایستاره بورند باز بطرس را کفتند به تحقیق که تواز ١٠ آنها ميباشي رانجاكه جليلي هستي ولهجة تو قرينه است * واو شروع بلعن وسوكند نموره كه من اين مرورا كه ور بارة اوسني ٧٧ ميكوتمير نمي شناسم * كه ويكر بار خروس بانك زو وبطرس آن سخن را که عیسی بوی فرموده بود که قبل از آنکه خروس رو بار بأنك زندسه بار انكارم خواهي نمود ياد آورد وزار زار بكريست باب پانزدهم

ا بمحروصه شدن رؤسای کهنه با مشایخ ونویسنده کان وجه اهل شوری مشورت کروند وعیسی ا بسته برده به بیلاطسش تسلیم ا نمووند آیا باوشاهٔ برور توئی مورا جواب وارکه تو خور میکوئی * ورؤسای کهنه اوعای بسیاری میرا جواب نداد * که باز پیلاطس ویرا سوال نموده کفت چیج جواب نمیده ی بنکر که بچه مقدار چیزا بر توکواهی میدهد ه * که با وجود این عیسی چیچ باسخ نداو چنانچه بیلاطس تعجب نمود میدهد میده با وجود این عیسی چیچ باسخ نداو چنانچه بیلاطس تعجب نمود میدهد

 * • وقاعدة وى اين بودكه ور هرعيريك زيداني راكه آيشان خواهش کنند جبهت آنها آزاد مینمود * وبود برآس نامی که با هم مفتنان خورکه ور فعنه قتل نمووه بووند بسته شده بور* که آنکروه فریاد برآ غاز و خواستن آنچه همیشه ایشان سلوک مینمودنمودند* پیلاطس آنهارا ١٠ كف آيا ميخواهيدكه بادشاة بهودرا عبهت شما مرخص عاميم زانجا ۱۱ که بافته بود که روسای کهنداز حسد اورا تسلیم نمووند ایکن رؤسای كهنه مروم را اغط مينمووندكه بلكه برباس را بحبه ايشان مستخلص ۱۲ نامیر * که پیلاطس بار بایشان ور حواب گفت که پس چه اراوه ٣٠ واريدتا با اينكه باوشاهٔ بهودش ميخوانيد بعبل آرم * باز فرياو نمووند ١١٠ كه اورا مصلوب ساز ١٠ أفاه بيلاطس بايشان كف كه چه بركروه ه السنة المآنهار يوازييش فرياد نموزيدكه اورا صلب نا * پيلاطس چون خواست که آن قرمرا خوشنود ناید براس را آراو تمووه وعيسى إ تازيانه زوه بحبهت صلب كرونش تسليم نموو ۱۷ * وسباهیانش در پریطریون یعنی دیوان خانه برده وجمیع سباه را ١٧ فراهم آوروند * پس اوراً جامه مسرفي بوشانيزند وتاج خاري بافته بر ۱۸ سرش كزاشتند و وجبهت او شروع بسلام نموده كفتندي السلام اي ١٩ پارههاهٔ بهود * پس نئهی رسرش زرند وآب دهن برا وانداخته وارانو ۴۰ ورآمده اوراسجود مينمورند * وچون اورا استهزانمودند جامه سرخ را از وی کنده کاس خورش را بوشانیزند واورا بیرون کشیرند آانکه ۲۱ صلب نایند* وتشمعون قیروانی که پیراسکندر وروفس است ور اثنای مراجعت از کشت زار آز آنجا عبورنمودی که ایشان اورا ۲۲ بحبهت بر واشتن صلیب وی محبور نمروند * پس اورا بمان

مرقس * ١٥ *

۲۳ کلکشکه ترجمه اش محل کاسهٔ سراست آوروند * وبارهٔ ممزوج ۴۴ بمر مجهرت آشامین بوی دادند لیکن او قبول نه نمود * داورآ صل کروه لباسش رآ بالر افارن قرعه که بهرکس چه رسد تقسیم ۲۷ نمووندی * وچون اورا صلب نمووند ساعت سیم بود * ونوشته اوعای ۷۷ وی ورآنجانوشته شده بود که بادشاهٔ بهور اینست * ورو ورورا یکی ۲۸ بر بمین ودیگری بر بسار وی صلیب نمورند * آنکاه کالی کروید ۲۹ نوشته که میکوید ور زمرهٔ کناه کاران شمروه کشت وراه کنران سر جنبان بوی فحش واره میکفتند ای ویران کننده میکل ۳۰ وعمارت کننده تآن ورسه روز * خوورا نجات ده واز صلیب فرود ١٠٠ أى * وبهمين وضع رؤساى كهذ نيز نرو خود ير سبيل استهزا با تویسنده کان می گفتند ریرانرانجات واو وخوورا نجات نمی تواند ۳۳ واو م بنار که الحال مسیم بادشاهٔ اسرائیل از صلیب فرود آید تا به بینیم واعتقاد نائیم وآنان که با وی مصلوب شده بوزید فعشش ٣٣ ميراويد * وچون ساعت ششم رسيد تا ساعت نهم ظلمتي تام ۲۴ آن ملک را فرو کرفت * ودر ساعت نهم عیسی باواز بلند فریاد برآ ورده كفت ألوى الوي لما سبقتاني يعني آلهي آلهي از بهر چه ٣٥ مرا بكذاشتى * پس بعضى از آنان كه نرويك ايستاره بوزند اين ۴۶ سخن را شنیده گفتند اینک الیک را می طلبه * ویکی از آن میان روان کشته اسفنجی ا از سر که پُر نموره بر نتی کذاشته جهت آشامین وی از واشت و کفت بکذارید که مشاهده ٣٧ نايم آيا الياس جههت فرود آوردن وي مي آيد * وعيسي آواز ١٠٠٨ بلندي برآوروه روم را تسليم نمود * ويروه ويكل از بالا تا بائين

مرقس * ١٥ * ١٤ *

۳۹ بدو باره کروید و وون یوز باشی که مقابل وی نزویک ایستاوه بود اورا دیدکه چنان فراد برآورده روح را تسلیم نمود کفت بدرستی که ۲۰ این مرد فرزند خدا بود * وزنی چند نیز بودند که از دور نکاه میکروند که مریم مجرلیه ومریم ماور یعقوب کوچک ویوسا وسلومی ورمیان ۲۱ آنها بودند* که چون در جلیل بود ریروی وفد متش میمورند ودیگر ۲۲ زنان بسبارکه با وی باورشلیم آمره بوزید * چون شام کرویداز آنجاکه ۴۳ روز تهیه بوو بعنی آنوقت که پیش از سبت است * یوسف ارمثی که یکی از اہل شوری ومتشغّص بود که خود نیز منتظر ملکوت فدا بود كستأفانه نزو بيلاطس رفته بدن عيسىرا خواهش نمود ۲۸ * ويدلاطس از اينك باين زودي فوت شده باشد تعجب نموده یور باشی را طلبیر وازوی پرسیرکه مکه ویریست که وفات نموره ۲۵ است * چون از يوز باشي آن مقرمه را شنيره تن را بيوسف ۲۷ ارزانی داشت * واو بارچهٔ نازکس اخریده واورا فرود آورده ورآن پارچ اسچید دور قبری که از سنک تراشیده شده بود کذاشت ٨٧ وسنكى را بر سر قبرغلطانير * ومريم محبرليد ومريم لور يوسا ملاحظه ميمووندكه وركها كذاشته شد

باب شانزدهم

چون روز سبت كنرشت مريم مجرليه ومريم يعقوب وسلومي ۴ بوی خوش خریده تا آنکه آمره اورا مدرصون نمایند * وروز یک شنبه ۳ صح بسیار زودی بنام برآ مین آفتاب فرد قبرآ مدند و با یکدیرمی كفتندكه چكس سنكرا ارسر قبر بجهت ما خواهد كروانيد ۴ * زانروکه بسیار بزرگ بود پس نکرسته سنگرا غلطیده دیرند ه * وبدرون قبر وافل کشته جوانی را بر طرف راست نشسته ٧ ولباس سفير بوشيره ويزند وفايف كرويرند * كم بايشان كفت مترسيد عيساى ناصرى اك مصلوب شده بود تفحص مناتيد او بر فاست وورینجا نیست اینک مکانی که ور آنجا کزاشه بوزندش * لیکن شما بروید وبشاگروان او وبطرس مکوئید که او قبل ازشما بحليل ميرود وچنانچه بشما كفته بود اوراور آنجا خواهير ^ وید * وآنها برودی بیرون رفته از نزو قبر فرار نمودند از آنکه اضطراب وتخير برآنها استبلا بافته بود وبهو يكس بهيج نكفتند زانرو ٩ كه ترسيره بورند * دور صبح كاه أول هفته برفاسة نحست بمريم ۱۰ مجدلیه که هفت جنی از وی بیرون نموده بور ظاهر کشت * واو ۱۱ رفته مصاحبانش را که نوحه وزاری میمورند خبر نمود * چون شنیرند كه زيره است واين ضعيفه اورا ويره است قبول مووند ۱۱ * وبعدار آن ور صورت ویکر بدو نفر از آنها ور دالتی که بسوی ١٣ وأت ميرفتند جلوه كرشد * وايشان رفته بيقية آنها خبر وأوند ۱۱۱ وآنهارا هم تصدیق نه نمووند * وبعد از آن بان یازوه نفر ور حالتی كه نشسته بودندظاهر كرديد وآنهارا بهسبب عدم اعتقاد وقساوت قلب ملامت نمود زانروكه اشخاصيراكه اورا برفاسة وبده بووند ١٥ قبول تنمووند * پس بايشان فرمود كه جمكي جهان رفته جميع ١٧ خلابق را باین مژده ندا غائبیر * که هر آنکو ایان می آرو وغسل تعمیر می ناید ناحی خواهد شد لیکن آنکه ایان نمی آردیر او حکم خواهد ١٠ شد * واشخاصي كه باين چيزا اعتقاد آرند با آيتي چند مقرون خواهد كشب كه باسم من ديوارا بيرون خواهد نمود وبزبابهاي

مرفس ۱۹ ۳ ازه تکلّم خواهد نمود ۴ واربارا خواهند کرفت واکر چیز کشنده را بیاشامد هرکز متازی نخواهند کشت ویر تیماران وست خواهند ۱۹ نهاد وایشان تندرست خواهند کردید ۴ وبعد از تکلّم خداوند باسمان صعود نموده بر وست راست خدا بنشست وایشان بیرون رفته در هر مکان اعلام نموده وخداوند با ایشان عل میمود و با آیات پیوسته آنکلومرا ثابت میردانید آمین



فهرست این کتاب مقدس

رساله وريم بولس بتسلنيقيان . 503	
رساله ٔ اوّل پولس بتيموثيوس 507	
رسالة وريم پرلس بتيموثيوس 516	8
رسالة عولس بنيتوس 522	135
رسانه ولس بفليمون 526	221
رسالهٔ پولس بعبریّان 528	288
رساله ٔ عام يعقوب حواري 552	371
رساله ً عام اول پطرس حواري 561	403
رساله ٔ عام دويم پطرس حواري . 570	
رسالة ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576	437
رساله ٔ عام ثاني يوحنّاي حواري . 585	459
رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586	470
رساله عام يهوداي حواري 587	48
كتاب مكاشفات بحنّاي آليس 590	489

انجيل متّي آغاز ميكند در
محيفة ثفيح
انجيل مرقس 83
انجيل لوقا 135
انجديل يوحنّا 221
كتاب اعمال حواريان 288
رساله ولس حواري باهل روم . 371
رسالة عواس حواري باهل قرنتُس . 405
رساله وربم پولس حواري باهل
قونتُس ٠٠٠٠٠٠
رساله ورس حواري بكلتيّان 459
رساله ٔ پولس حواري بافسسيّان. 470
رساله ٔ پولس حواري باهل فِيلپي 481
رساله ٔ پولس حواري بقلُسيّان . 489
رساله أوّل پولس بتسلُنيقيّان . 496

، برلا اهيا

ة قدر عم نم نكمتن ىتح جارف ال المت دقو اذه ديدجل اده على او الي جن ال اذه على عاركش الله الله على عارك الكش الكن عدي زمل ا

تن ا قحاتمل ا ينورتك الله باتكل الذه عنص نع ملوءسمل بعشل قدعاسم عاجرل المستدعاسم على نورداق متن أو مه نم فرعت

بستكلا رشك المعجو، قعرسب لمعلا على قرداق نوكت ن أعلى المتدعاسم عاجرلا قرائم المعالم ا

نوكت يكل هجائحت يذل تقول او قوقو ، ل اومال او در اومل عيمج يلع اهتدعاسم عاجرل المعل قلص اوم يلع قرداق لمعل قلص اوم يلع قرداق كل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذل قيرفل نم اءزج لكشت يتلا قدعاسمل عاجرل ا امل ديرت يتل المعالل يحورل امهال مهنم لك عاطعاو رارمتس الاقوق امى اطعا ىجري . ملعفت نا

> ركذتك او فوخل امدعل مهنم لك قدعاسم عاجرل ا عيش لك نع لوؤسمه او قالصل اهبوجا يذل الهل التن أن إ

نوكراشي مهنا قراز & لمعلاو ، مهتيامح مكناو ، مهعيجشت متلكضفت نأ مللا وعدأ & هيف

يتلا تابقعلا نم اهريغ وا هيحورلا تالوقلا نم مهتيامح متلضفت نأ هلا وعدأ لفس على المنم عطب وا مهرضي نأ نكمي

هذه نم اول عج ن يذل اسان الن الن يا ركفن لدي دج ده ع اذه مدختس المدن عيت دعاسم عاجر ل الرمتس الما مه عنست ي عتح و اميل على على المرتب النام مه عنست عنت من المرتب النام و عبطل المرتب النام و المرتب النام و عند عاسم عن المرتب النام و النام و المرتب النام و النام و المرتب النام و النام و

فوس كن أو ، (ديدجل دهعل) مسدقهل ملك كل بح ينيطعت تنك نا ملل وعدا مين وس كن أو يروب الله وعدا مين الملل وعدا مين المراعد الله عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة عن المنطقة المنطق

لك يوننا هجاوت يهتلا تابوعصل عم لماعتل قيفيك قفرعم يف يتدعاسم عاجرلا نيرخال دعاسن نا ديرنو لضف كن الحرف الحروب يندعاسي على الدولل موي ملاعل لوود ققطنمل يدلب يف نييحيسمل

مكتمك ح مدعاست زيذل او بختنمل اينورتكال اباتكل ايطعي ن المكل ملل وعدا

مكب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (ي تالئ اعو) اهترسا دار ف أ دعاسي ن ا مكل ملل او عدا

قرطل الكب مكل ةعباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا اهذه ل عفا نا مكنم بلطاو ، تاقوألا هذه يف هيجوتلاو هعتمل النيطعي امك نيما ، عوسي مس إيف

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted. Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible. Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro. Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día. Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de J esús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?
Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible,
y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio
tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.
El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliere.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo. Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza. Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile
e di altretanta gente che prega spesso per noi e questo
ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de l esus, amen.

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
Porque nós necessitamos tanto prayer como possível,
e tantos como povos que praying para nós e este ministry
tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.
O prayer é uma das mais melhores maneiras que
você pode nos ajudar mais).

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott.

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen. Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortetund der verantwortlich für alles ist. Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen konnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jeden Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen.und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Saying a Prayer never hurts.

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived.

Please help their families to truly turn to the real J esus and to follow Him and understand His divine perspective.

Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of J esus, Amen,

A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know for sure that you are saved and going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

A Christian is someone who believes the following

Steps to Take in order to become a true Christian, to be Saved & Have a real relationship & genuine experience with the real God

Read, understand, accept and believe the following verses from the Bible:

1. All men are sinners and fall short of God's perfect standard

Romans 3: 23 states that For all have sinned, and come short of the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son J esus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on J esus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through J esus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in J esus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending J esus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in J esus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4.God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent J esus Christ to save us, even though we are sinners. So J esus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in J esus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in J esus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

fact that you have been given Eternal Life.

IJ ohn 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I J ohn 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord J esus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true J esus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, J esus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is that you do not need to change yourself. J ust C ry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent J esus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

Steps to take once you have asked J esus to come into your life

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)
- 2. Read Psalm 91
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read

them, so that you can understand more about God and how He works. 6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.
7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "being saved" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of 1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

...and if so , then how does believing save a person?

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in Salvation by Faith Alone in J esus Christ (ask us by email if this is not clear), then That belief saves them. Why? because they are magical? No, because of the sovereignty of God, because of what God does to them, when they ask him into their heart & life. When a person decides to place their faith in J esus Christ and ask Him to forgive them of

their sins and invite J esus Christ into their life & heart, this is what saves them - because of what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ - God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of J esus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that J esus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than J esus Christ - which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in J esus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are not sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that all sins separates us from God, even supposedly-small sins. We - as humans - tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are not good enough for J esus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ J esus because those people are -literally - unwilling

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for J esus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "For all have sinned, and come short of the glory of God" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote "For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through J esus Christ our Lord."(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

J ohn 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should <u>not</u> perish, but have everlasting life.

17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world <u>through him</u> might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through J esus Christ" or "in the name of J esus Christ".

God hears our prayers <u>because</u> we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of J esus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought him to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of <u>God through Christ</u>. (Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us <u>through Christ Jesus</u>.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached <u>through Jesus</u> the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God <u>through Jesus</u> Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* <u>eternal life through</u> <u>Jesus Christ</u> our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, let him do it as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly <u>through Jesus Christ</u> our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postcript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon the Textus Receptus are the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in the Mandarin Chinese Language (Older Traditional) that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of this edition is actually from 1880 which means it was produced prior to the Revised Version and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort, ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is the standard historic Koine Greek Text of the New Testament. (the work of J ohn w Burgon. Carston Thiede or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online Under "Textus Receptus". There are 2 or 3 usual versions of the T.R.:

1. The original 1550/51 Version of the Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne 2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833 and

3. The Textus Receptus in Koine Greek by Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength; they shall mount up with wings as eagles; they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

- I Thessalonians 4: 13_-5:6
- 13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.
- 14 For if we believe that Jesus died and rose again,
- even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.
- 15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.
- 16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:
- 17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them
- in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.
- 18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night.3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.
- 4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.
- 5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness.6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

- 25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.
- 2 And five of them were wise, and five were foolish.
- 3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:
- 4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.
- 5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.
- 6 And at midnight there was a cry made,
- Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.
- 7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.
- 8 And the foolish said unto the wise,
- Give us of your oil; for our lamps are gone out.
- 9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.
- 10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.
- 11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.
- 12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.
- 13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837 is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837

Please Note:

Permission for YOU to Print, use, Post online, store, use, distribute personally or in file sharing systems, online or otherwise, is hereby granted

Permission to Post and Repost on your website is granted.

Note: Do not always depend on large "storage" websites. Do not depend on websites in the west. Sometimes large websites are affected and then no longer work. For your convenience and easy access, Please keep copies of this somewhere safe or on other servers

Some bulletin boards sometimes have storage space available.

Téléchargement = Free = No Cost Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and for our protection in all ways and at all times.

Thanks.

NOTE: This New Testament in PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY MARTYN 1837

is [exists] in Nine [9]
Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN
1837

Téléchargement Free = No Cost Télécharger - Gratuit A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. GOD IS BIG ENOUGH. ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson The Two Babylons by Hislop Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler Books by George STANLEY Faber Revelation by Clarence Larkin Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824) Works written by Imad-ud-din, of Umritsur TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity written by Maulvi Ahmad Ullah WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866 ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867 Original Sources of the Coran / Koran by Muir Books in French (Auteurs Français) = Alain Choiquier, Ralph Shallis, Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare, Accurate Edition: (Texte Recu) of the New Testament in Greek (Grec) = Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151) [Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب العهد الحديد لربنا ومخلصنا يسوع

(100 (100 (100

200

0 25 9

CCCO

110

200

200

03335

0-33-75

0 222

03333

03750

0333

03225

0 222

03775

033

0312

0 3

قد تُوجِرِ حديثًا من اللغة اليونانية

اسماد اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦		٠		ا تیموثاوس	KA		احعامائة	انجيل متى
٤			7	۲ تیموثاوس	17		er er	انجيل مرفس
			a.	ثيطس	72		tr-	انحيل لوقا
1			,	فليمون	11		tr .	انجيل يوحنا
17			H	العبرانيين	LY		u	اعال الرسل
0	*	٠	e layer	يعقوب	17	26	4	ارومية
0			y	١ بطرس	17		r	ا کورنٹوس
7			,	۲ بطرس	17		ie.	ا کورنٹوس
0			<i>a</i>	ا يوحنا	7		tr.	غلاطية
1			,	۲ يوحنا	7			افسس
1				۲ بوحنا	٤			فيلبي
				speci	٤			كولوسي
77				رؤيا يوحنا	0		tr	اتسالونيكي
			وعشرون سنرا	وجميعها سبعة	7			٢ تسالونيکي